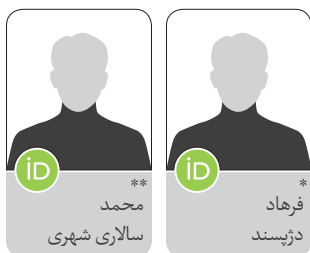


ارزیابی عملکرد صادرات ایران

در مقایسه با کشورهای منطقه در دوره سند چشم‌انداز ۱۴۰۴



| فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی | شماره ۱۱۹ | دوره ۳ | تابستان ۱۴۰۵ | ۴۵-۹

 <https://doi.org/10.22034/ijts.2026.2088640.4266>

| دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۲ | بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۳۰ | پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

کلیدواژه‌ها

سند چشم‌انداز / تجارت خارجی / صادرات / الگوی توزیع وقفه‌ای خودرگرسیون / تحریم

چکیده

بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی یکی از مهم‌ترین موضوعات در ارزیابی عملکرد دوره چشم‌انداز است. در این راستا، یکی از شاخص‌های کلیدی در ارزیابی وضعیت اقتصادی هر کشور موضوع صادرات می‌باشد. در ایران نیز این شاخص نقش مهمی در تعیین مسیر رشد اقتصادی و تعاملات بین‌المللی دارد. از این رو، هدف این مقاله بررسی عملکرد صادرات ایران در دوره سند چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴ است. بازه زمانی تحقیق مربوط به دوره ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۳ بوده، و برای برآورد مدل از الگوی توزیع وقفه‌ای خودرگرسیون استفاده شده است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) نرخ رشد صادرات ایران ۲۷٫۴۲ درصد بوده، توانسته به جایگاه اول منطقه از لحاظ این شاخص دست یابد. از طرفی، در این دوره بدترین نرخ رشد مذکور نیز مربوط به سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱)، با منفی ۲۰٫۹۹ درصد می‌باشد. در این سال جایگاه ایران در بین کشورهای منطقه ۱۵ بوده است. همچنین، نتایج حاصل از تخمین معادله صادرات بر اساس الگوی توزیع

* f.dejpasand@sbu.ac.ir

* دانشیار، عضو هیأت علمی گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Slrhmhd890@gmail.com

** دانشجوی دکتری اقتصاد پولی، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

■ فرهاد دژپسند، نویسنده مسئول

وقفه‌ای خودرگرسیون، برای دوره ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۲ با تواتر فصلی نشان می‌دهد که؛ علل اصلی جایگاه نامطلوب ایران در بین کشورهای منطقه در حوزه شاخص صادرات و به نوعی عملکرد نامناسب این متغیر تحت تأثیر رشدهای شدید نرخ ارز، عدم رشد اقتصادی، تحریم‌های دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ و تحریم‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰، بوده است. ضمن آن که ویروس کرونا نیز در عملکرد این شاخص اثر منفی داشته است.

JEL: O2, B22, C01, F51 طبقه‌بندی



Evaluating Iran's export performance compared to regional countries in the 1404 Vision Document period

Farhad Dejpasand, Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Political Sciences, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. (Corresponding Author) 

Mohammad Salari Shahri, Master graduate, Department of Economics, Faculty of Economics and Political Sciences, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. 

Vol 30, No. 119, Summer 2026

Journal of Trade Studies (JTS)

 <https://doi.org/10.22034/jts.2026.2088640.4266>

| Received: 13 May. 2026 | Revised: 20 June. 2026 | Accepted: 22 June. 2026 |

Abstract

Evaluating macroeconomic indicators is one of the most important approaches to assessing the performance of Iran's 1404 Vision Document. Among these indicators, export performance is a key measure of a country's economic conditions and international competitiveness. In Iran, exports also play a significant role in promoting economic growth and strengthening international economic relations. Therefore, the purpose of this study is to evaluate Iran's export performance during the implementation period of the Twenty-Year Vision Document (1404). The study covers the period from 2005 to 2024, and the Autoregressive Distributed Lag (ARDL) model is employed to estimate the export equation. Descriptive analysis indicates that in 1395, when Iran's export growth rate reached 27.42%, the country ranked first among the selected regional countries in terms of export growth. Conversely, the lowest export growth rate during the study period was recorded in 1391, at -20.99%, placing Iran in the fifteenth position among the regional countries. Furthermore, the estimation results based on quarterly data for the period 2005–2023 reveal that Iran's relatively weak export performance and unfavorable regional ranking were mainly attributable to sharp exchange rate fluctuations, weak economic growth, the sanctions imposed during 2012–2015 and 2018–2021, and the adverse effects of the COVID-19 pandemic. Overall, the findings suggest that both macroeconomic instability and external shocks have significantly constrained Iran's export performance throughout the Vision Document period.

f.dejpasand@sbu.ac.ir

JEL Classification: JEL: O2. B22. C01. F51

Keywords: Vision Document; Foreign Trade; Export; Autoregressive Distributed Lag (ARDL); Sanctions. Development plans, foreign trade, export, ARDL, Sanction

Data Availability: The data used or generated in this research are presented in the text of the article.

Conflicts of Interest: The authors of this paper declared no conflict of interest regarding the authorship or publication of this article.

۱. مقدمه

یکی از تحولات مهم در زمینه برنامه‌ریزی و توسعه کشور در اوایل دهه ۱۳۸۰، ابلاغ سند چشم‌انداز بود. سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین سندی است که برای افق ۱۴۰۴ تدوین شد. این سند به‌عنوان نقشه راه کشور در طی بیست سال آینده در حوزه سیاست‌گذاری قرار گرفت. با توجه به هدف‌های تعیین‌شده در سند مذکور در چشم‌انداز بیست‌ساله، «ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل». به طور کلی براساس برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته از لحاظ اقتصادی جامعه ایران در افق این سند باید کشوری باشد با ویژگی‌هایی از جمله: توسعه یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، تاریخی، اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی - برخوردار از دانش پیشرفته و توانا در تولید علم و فناوری با تکیه بر سهم غالب منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی - برخوردار از رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، توزیع مناسب درآمد و به دور از فقر و تبعیض - دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ای آسیای جنوب غربی - دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت. اما علی‌رغم هدف‌هایی که برای سند مذکور در نظر گرفته شد، در عمل وجود سند مهمی مانند سند چشم‌انداز نتوانست نقش مؤثری در بهبود شرایط اقتصادی ایران داشته باشد.

در واقع می‌توان بیان داشت که، پس از گذشت دو دهه از ابلاغ سند چشم‌انداز، اهداف اقتصادی آن محقق نشده و کشور با چالش‌های جدی در زمینه‌های اقتصادی مواجه است. از این رو، بررسی و تحلیل علل عدم تحقق اهداف اقتصادی، و احصای عواملی که بر هر کدام از متغیرهای اقتصادی در سال‌های پس از ابلاغ سند چشم‌انداز اثرگذار بوده حائز اهمیت است، و می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آتی به سیاست‌گذاران اقتصادی کشور کمک شایانی بنماید.

یکی از شاخص‌های کلیدی در ارزیابی وضعیت اقتصادی هر کشور تجارت خارجی است. در ایران نیز این شاخص نقش مهمی در تعیین مسیر رشد اقتصادی و تعاملات بین‌المللی دارد. صادرات ایران عمدتاً وابسته به منابع طبیعی مانند نفت و گاز است، در حالی که واردات بیش‌تر شامل کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه می‌شود. نوسانات سیاسی، تحریم‌های بین‌المللی و نرخ ارز اثر مستقیمی بر تجارت خارجی دارند. در سال‌های مورد بررسی، با عوامل مذکور در کنار سایر چالش‌ها، مشکلات عمده‌ای بر سر راه تجارت خارجی ایران قرار داده است.

اهمیت این شاخص از آن جا بیش‌تر می‌شود که در سند چشم‌انداز بیست ساله نیز بر تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت، توسعه صادرات غیرنفتی، هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در زمینه‌هایی با مزیت نسبی، تأکید شده است. با این حال، علی‌رغم تلاش‌های متعدد برای



گسترش صادرات، ایران به‌ویژه به دلیل محدودیت‌های تجاری، تحریم‌های بین‌المللی، و مشکلات در توسعه زیرساخت‌های صادراتی، نتوانسته به اهداف صادراتی خود دست یابد. همچنین، وابستگی به صادرات نفت و عدم تنوع در سبد صادراتی، موجب شده است که رشد صادرات غیرنفتی ایران نیز به‌طور چشمگیری محدود بماند. از طرفی، واردات نیز به‌عنوان یکی از متغیرهای اقتصادی، همواره با چالش‌های مهمی روبه‌رو بوده است. به‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته برای تقویت تولید داخلی و کاهش وابستگی به واردات، اقتصاد ایران هنوز وابسته به واردات کالاهای مصرفی و واسطه‌ای است. این وضعیت به‌ویژه در دوره‌هایی که تحریم‌ها فشار بیشتری وارد می‌کنند، باعث افزایش قیمت‌ها و فشارهای تورمی در کشور شده است.

با توجه به نکات ذکرشده در بالا، هدف مطالعه حاضر ارزیابی عملکرد صادرات ایران با سایر کشورهای منطقه^۱ در بازه زمانی چشم‌انداز بیست ساله، به‌عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی سند چشم‌انداز می‌باشد. در این راستا، سوالات تحقیق به شرح زیر است:

- وضعیت ایران از لحاظ شاخص صادرات در مقایسه با سایر کشورهای منطقه در دوره سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به چه صورت بوده است؟
- چه عواملی منجر به عملکرد نامناسب صادرات ایران در دوره سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ شده است؟

از این رو مطالب تحقیق به شرح زیر ارائه می‌شود:

ابتدا به منظور آشنایی با مفاهیم و دیدگاه‌های مختلف، مبانی نظری و مطالعات انجام‌شده پیرامون موضوع پژوهش بیان شده است. سپس، برای مشخص شدن عملکرد ایران در حوزه شاخص صادرات، قسمت بعدی به بررسی تحولات آن، و مقایسه با عملکرد ایران با سایر کشورهای منطقه اختصاص یافته است. همچنین، در بخش بعدی مبانی مدل و روش تحقیق، نتایج آزمون‌ها و برآورد الگو نشان داده شده است. در نهایت با نتیجه‌گیری در قسمت انتهایی، تحقیق حاضر به پایان رسیده است.

۲. ادبیات موضوع

۲-۱. مبانی نظری

در سال‌های اخیر تحولات ساختاری و فشارهای برون‌زا بر اقتصاد ایران، جهش صادرات غیرنفتی را به یک ضرورت انکارناپذیر تبدیل کرده است. با وجود این بررسی روند متغیرهای کلان اقتصادی نشان می‌دهد که با وجود سیاست‌گذاری‌های متعدد، روند تجارت خارجی کشور، به ویژه صادرات غیرنفتی کشور، همچنان

۱. با توجه به آمار بانک جهانی، کشورهای منطقه که اطلاعات آن‌ها در دسترس بوده و عملکرد صادرات ایران با آن کشورها مقایسه شده، عبارتند از: ازبکستان، کویت، سودان، امارات، تاجیکستان، لبنان، پاکستان، عراق، ترکیه، عمان، یمن، بحرین، سوریه، ارمنستان، قزاقستان، و عربستان. همچنین، لازم به ذکر است که اطلاعات تمامی این کشورها نیز، برای تمام سال‌ها به‌طور منظم ارائه نشده است.

از روند غیرقابل قبول برخوردار است. بر اساس آخرین گزارش‌های آماری گمرک جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴، صادرات غیرنفتی در سال ۱۴۰۳ با ثبت رقم ۵۸.۶ میلیارد دلار، با سهمی پایین‌تر از ظرفیت‌های واقعی اقتصاد در تولید ناخالص داخلی کشور، نشان دهنده ضرورت توجه بیشتر به شناخت عوامل اصلی توسعه جهش‌گونه صادرات غیرنفتی می‌باشد.

تجارت خارجی و نحوه‌ی گسترش ارتباط اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی، در اغلب رویکردهای توسعه‌ای متغیری کلیدی به‌شمار می‌رود. ادبیات «رشد بر پایه‌ی صادرات» بر این نکته تأکید دارد که گسترش صادرات و بهره‌گیری از بازارهای جهانی می‌تواند موتور رشد و توسعه باشد، مشروط بر آن‌که ترکیب صادرات، ساختار تولید و سیاست‌های صنعتی به‌گونه‌ای طراحی شود که به ارتقای فناوری، تنوع‌بخشی به ساختار تولید و کاهش وابستگی به صادرات مواد اولیه منجر گردد (Krueger, 1998). در مقابل، تداوم وابستگی به صادرات محدود، به‌ویژه منابع طبیعی، می‌تواند اقتصاد را در معرض نوسانات شدید و «نفرتین منابع» قرار دهد که با اهداف توسعه‌ی پایدار در تعارض است. در واقع می‌توان بیان داشت که بحث تجارت خارجی یکی از مباحث مهم در توسعه اقتصادی کشورهاست. این بخش منبع تأمین درآمد‌های ارزی برای سرمایه‌گذاری و جذب فناوری نوین در جهت افزایش توان تولیدی اقتصاد کشور است. کلاسیک‌ها معتقدند که تجارت وسیله‌ای برای گسترش بازار داخلی، تقسیم کار بین‌المللی، افزایش کارایی، بهبود بهره‌وری و رشد اقتصادی است و به‌عنوان موتور محرکه رشد و توسعه عمل می‌کند (خلیلیان و فرهادی، ۱۳۸۱).

طبق نظر برانسون (۱۳۸۳) به‌طور کلی معادله‌ی تراز پرداخت‌ها از حساب جاری، حساب سرمایه و حساب پرداخت‌های انتقالی تشکیل شده است. حساب جاری دریافتی خالص ناشی از تفاضل بین درآمد حاصل از فروش کالاها و خدمات تولید شده جاری به خارج و پرداخت‌های مربوط به کالاها و خدمات تولید شده‌ی خارجی است. حساب جاری به یک سطح معین و داده شده از تقاضای کل و قیمت‌های خارجی صادرات حقیقی بر سطح قیمت‌های داخلی و نرخ ارز به صورت هر دلار پول داخلی بر حسب واحدهای ارز خارجی بستگی دارد. بر این اساس تابع تقاضای صادرات به صورت رابطه (۸) است:

$$X = X(P, e) \quad (۱)$$

$$\frac{dX}{de} < 0, \frac{dX}{dP} < 0$$

در این رابطه؛ e نشانگر نرخ ارز، P سطح قیمت‌های داخلی و X تقاضای صادرات است. بر اساس این تابع، افزایش در قیمت‌های داخلی و یا بالارفتن نرخ ارز کاهش صادرات را در پی خواهد داشت. بین تغییرات قیمت‌های داخلی و نرخ ارز با تابع تقاضای صادرات رابطه‌ی معکوس وجود دارد به‌گونه‌ای که افزایش در این متغیرها باعث کاهش مقدار صادرات خواهد شود.

از طرفی؛ تابع واردات به صورت رابطه (۹) در نظر گرفته شده است؛

$$M = M(y, P, e) \quad (2)$$

$$\frac{dM}{dy} < 0, \quad \frac{dM}{dP} < 0, \quad \frac{dM}{de} > 0$$

در این رابطه؛ m نشانگر تابع تقاضای واردات، y سطح درآمد داخلی، e نرخ ارز و P سطح قیمت‌های داخلی است. بر این اساس، تقاضای واردات با تغییرات درآمد داخلی، نرخ ارز، و سطح قیمت‌های داخلی رابطه مستقیم دارد. ارزش واردات بر حسب قیمت‌های داخلی برابر با تقسیم سطح قیمت‌های خارجی بر نرخ ارز e است. بنابراین مانده و تراز حساب جاری بر حسب پول داخلی به صورت رابطه ی (۱۰) است.

$$X - M = P X(P, e) - p^f / e M(y, P, e) \quad (3)$$

در رابطه‌ی فوق، X نشانگر تابع تقاضای صادرات، M واردات، P سطح قیمت‌های داخلی، سطح قیمت‌های خارجی، e نرخ ارز و y درآمد داخلی است. افزایش در سطح قیمت‌های داخلی به دلیل ارزان شدن کالاهای خارجی نسبت به کالاهای داخلی موجب افزایش واردات حقیقی و جایگزینی کالاهای خارجی به جای کالاهای داخلی می‌شود. افزایش قیمت‌های داخلی، موجب کاهش صادرات حقیقی می‌شود. اما کاهش یا افزایش ارزش پولی صادرات بستگی به کشش قیمتی تقاضای خارجی برای صادرات دارد. با بزرگتر از یک بودن کشش قیمتی تقاضا افزایش در قیمت ارزش پولی، کاهش صادرات را در پی دارد. افزایش در نرخ ارز باعث کاهش قیمت دلاری واردات و افزایش واردات حقیقی می‌شود. اما کاهش یا افزایش واردات به کشش قیمتی تقاضای واردات بستگی دارد (پهلوانی و همکاران، ۱۳۸۶). اما قابل بیان است به طور کلی در رابطه با تأثیر نرخ ارز بر صادرات دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاهی مدعی است که تغییرات نرخ ارز به تنهایی کاستی‌های فنی، نهادی و ساختاری را جبران و تأمین می‌کند و صادرات را در مدار رشد شتابان قرار می‌دهد، اما دیدگاه دیگر مدعی است که پیش از توسل به تغییر قیمتی باید در قلمرو متغیرهای حقیقی عملی انجام داد و بسترهای فنی و مادی و رقابت‌پذیری را تأمین کرد (باقرپور اسکویی، ۱۴۰۳).

لازم به یادآوری است که بر اساس نظریه‌های استاندارد تجارت بین‌الملل و شرط مارشال-لرنر، انتظار می‌رود که افزایش نرخ ارز از طریق کاهش قیمت نسبی کالاهای صادراتی، منجر به افزایش تقاضای خارجی و رشد صادرات شود. ولی شواهد تجربی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که با وجود جهش‌های قابل توجه نرخ ارز، صادرات غیرنفتی واکنش مورد انتظار را نشان نداده است. مطالعات جدید بیانگر آن است که در تحلیل رفتار صادراتی نباید صرفاً بر سطح نرخ ارز تمرکز کرد، بلکه ثبات و پیش‌بینی‌پذیری متغیرها نقشی تعیین‌کننده دارند (هدایت و همکاران، ۲۰۲۴). ریشه اصلی ناکارآمدی سیاست‌های ارزی در تحریک صادرات

در ایران را می‌توان در پدیده نااطمینانی جستجو کرد. نوسانات شدید و پی‌درپی در شاخص‌های کلیدی مانند تورم و نرخ ارز، موجب اختلال در نظام قیمت‌گذاری و تصمیم‌گیری بنگاه‌های اقتصادی می‌شود. در شرایطی که فضای اقتصاد کلان با نااطمینانی همراه است، ریسک فعالیت‌های تجاری افزایش می‌یابد و صادرکنندگان به جای اتخاذ استراتژی‌های توسعه بازار، رویکردی احتیاطی در پیش می‌گیرند. به عبارت دیگر نوسانات ارزی به جای آنکه فرصتی برای رقابت‌پذیری باشد، به عاملی برای بی‌ثباتی و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شود (مودی، ۱۴۰۳).

یکی دیگر از عوامل مهم در بحث تجارت خارجی، موضوع تحریم‌ها است. به طور کلی تحریم‌ها به دو نوع تحریم تجاری و تحریم مالی تقسیم می‌شوند. تحریم‌های تجاری به شکل مستقیم، به دلیل وجود موانع قانونی کشورهای تحریم‌کننده باعث قطع و یا کاهش واردات این کشورها از کشورهای هدف می‌شود. از طرف دیگر، افزایش ریسک واردکنندگان از کشور صادرکننده تحریم‌شده، مانع صادرات کشورها می‌شود که می‌تواند ناشی از ترس از تنبیه و تحریم کشورهای بزرگ اقتصادی باشد. تحریم مالی، بانک‌های تجاری و بانک مرکزی امکان تجارت را برای صادرکنندگان کشورهای تحریم‌شده و واردکنندگان کشورهای مقصد بسیار سخت می‌کند و حتی از بین می‌برد. در نتیجه صادرات کشور کاهش می‌یابد. تحریم دانش و تکنولوژی می‌تواند از طریق کاهش قدرت تولید و رقابت‌پذیری شرکت‌های صادرکننده در رقابت با سایر شرکت‌های صادرکننده، امکان صادرات را کاهش می‌دهد. البته با توجه به توان دورزدن این نوع تحریم‌ها میزان تأثیرگذاری آن کم است. تحریم‌های اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌المللی باعث می‌شود دسترسی به بازار این کشورها یا منابع مالی تأمین سرمایه‌گذاری خارجی کاهش یابد (حسنوند و همکاران، ۱۳۹۷).

۲-۲. مطالعات انجام‌شده

۲-۱-۲. مطالعات داخلی

نجفی چالستری و همکاران (۱۴۰۴) در مطالعه‌ای با عنوان تجزیه و تحلیل آثار تحریم‌ها بر صادرات غیرنفتی ایران با استفاده از روش کنترل مصنوعی در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹، نشان دادند که تحریم‌ها از کانال افزایش نرخ ارز منجر به رشد صادرات غیرنفتی شده است. یافته‌های این پژوهش که با سطح اطمینان ۹۰ درصد تأیید شده، بیانگر میانگین افزایش سالانه ۱۰/۱۴ درصدی صادرات در دوره تحریم است که بیشترین تأثیر مثبت آن در سال ۲۰۱۸ (۱۹/۱ درصد) مشاهده گردید.

باقریور اسکویی (۱۴۰۳) به پژوهشی با عنوان تحلیلی بر تأثیر نرخ ارز بر صادرات کشور پرداخته است. در این مطالعه بیان شده؛ سال‌هاست که عده‌ای در اقتصاد ایران بر اساس یکسری تحلیل‌های مکانیکی، حسابداری یا استفاده از نظریات پایه مالیه بین‌الملل و اقتصاد کلان (که در جای خود درست، اما مبتنی



بر فروش خاص هستند) استدلال می‌کنند که اگر نرخ ارز بالا رود، صادرات افزایش می‌یابد، شتاب می‌گیرد و آثار آن مشکلات کلان اقتصادی را حل می‌کند. اما در سه دهه گذشته شاهد بوده‌ایم که با همین منطق ساده نرخ ارز بالا رفت، اما صادرات غیرنفتی شتاب نگرفت و از سطح کالاهای سنتی کشاورزی و محصولات اولیه پتروشیمی و میعانات گازی و خام‌فروشی‌های فلزی فراتر نرفت. افزون بر محدودیت‌های فنی، محدودیت‌های ساختاری، نهادی و مدیریتی مانع تحقق شتاب صادرات شده است. از این رو برای ارتقا و شتاب صادرات باید ساختارهای پولی و مالی را شفاف کرد و دنباله رو بخش تولید قرار داد و فعالیت‌های بخش نامولد را محدود کرد. در این صورت است که فضای کسب‌وکار برای تولید کیفی آماده می‌شود. مسلماً در کنار این اقدامات، شکل‌گیری رقابت‌پذیری فنی، تدوین و اجرای راهبردهای تجاری و تولید کالاهای استاندارد با کیفیت بالا و قابل رقابت با تولیدات بین‌المللی لازم است. وقتی این امور محقق شد، علامت‌دهی قیمت‌ها به متغیرهای حقیقی از جمله علامت‌دهی نرخ ارز به صادرات غیرنفتی موضوعیت می‌یابد و فعال می‌شود.

دهقان خاوری و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر نوسانات نرخ ارز بر صادرات غیرنفتی ایران در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ پرداختند. آن‌ها با بهره‌گیری از روش خودتوضیح برداری نشان دادند که بر خلاف برخی تئوری‌های رایج، نرخ ارز تأثیری معکوس و معنادار بر صادرات غیرنفتی داشته است؛ به گونه‌ای که شوک‌های وارده به نرخ ارز روندی منفی ایجاد کرده که با گذشت زمان تشدید شده است. از سوی دیگر، نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که شوک‌های تولید ناخالص داخلی تنها در ابتدای دوره اثر مثبت داشته و سپس خنثی شده‌اند، و متغیرهای نرخ تورم و حجم نقدینگی تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای بر صادرات غیرنفتی نشان ندادند.

عادلی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای به بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر صادرات ایران با استفاده از روش کنترل ساختگی پرداخته‌اند. در واقع این مطالعه با به کارگیری روش کنترل ساختگی به عنوان یک روش نوآورانه در بررسی اثرات یک سیاست، تلاش کرده اثر تحریم‌های اقتصادی سال ۲۰۱۱ میلادی را بر صادرات ایران و طی دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۸ میلادی ارزیابی کند. برای این منظور علاوه بر ایران، ۱۰ کشور دیگر به عنوان گروه کنترلی در نظر گرفته شده‌اند و در یک فرآیند سیستماتیک کشورهایی که قادر به شبیه‌سازی روند صادرات ایران بودند توسط مدل شناسایی شده که کشورهای نیوزلند، ترکیه، امارات و چین به ترتیب بیشترین وزن را در این شبیه‌سازی داشته‌اند. نتایج نشان می‌دهد، درحالی که ایران می‌توانست برای تک تک سال‌های بعد از تحریم به صادرات بالای ۱۵۰ میلیارد دلاری دست یابد، تحریم باعث شده ایران به طور متوسط و سالانه ۷۴ میلیارد دلار صادرات خود را از دست دهد. بر اساس الگوی برآوردی بیشترین شکاف صادراتی مربوط به سال ۲۰۱۵ م. است که تحریم باعث شده صادرات ایران به ۶۰

میلیارد دلار برسد؛ درحالی که براساس الگوی صادرات ساختگی، میزان صادرات در این سال و در غیاب تحریم میتوانست به عدد ۱۵۹.۷ میلیارد دلار برسد و در این سال حداکثر شکاف صادراتی، یعنی میزان ۹۹.۷ میلیارد دلار به ثبت رسیده است.

راعی و دهمرده (۱۴۰۰) تأثیر اقتصاد دانش بنیان بر صادرات غیرنفتی ایران را بررسی کرده‌اند. این مطالعه با استفاده از روش خودتوضیح با وقفه‌های توزیعی و برای دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۵ صورت گرفته است. بر اساس نتایج حاصل از تحقیق شاخص آموزش و توسعه منابع انسانی در کوتاه‌مدت بیش‌ترین تأثیر مثبت بر صادرات غیرنفتی ایران داشته است. از طرفی، شاخص ابداعات و نوآوری اثرگذارترین عامل در بلندمدت بر صادرات غیرنفتی ایران بوده، و دارای تأثیر منفی و معنادار است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد؛ شاخص رژیم اقتصادی و نهادی اثر منفی و معنادار بر صادرات غیرنفتی دارد، و دارای کمترین تأثیر در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر صادرات غیرنفتی بوده است. در رابطه با شاخص فنآوری اطلاعات و ارتباطات نتایج نشان می‌دهد این شاخص در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر مثبت و معناداری بر صادرات غیرنفتی ایران داشته است. در نهایت نتایج مدل نشان می‌دهد؛ شاخص ابداعات و نوآوری تأثیر منفی و معنی‌دار، و شاخص آموزش و توسعه منابع انسانی تأثیر مثبت و معنی‌دار در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر صادرات غیرنفتی ایران داشته‌اند.

معصوم و یوسفی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر صادرات پرداخته‌اند. هدف از این تحقیق تبیین تأثیر چهار متغیر تعهد صادرات، بازارگرایی، استراتژی‌های صادراتی و مزیت رقابتی بر عملکرد صادرات با استفاده از رویکرد فراتحلیل بوده است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های اسنادی بوده و جامعه آماری آن تمامی پژوهش‌های مرتبط با تأثیر متغیرهای مذکور بر عملکرد صادرات است که بر اساس جستجو در پایگاه‌های مختلف داخلی و خارجی، ۴۱ مطالعه در این زمینه یافت شده و پس از پالایش مقالات ۲۶ مقاله وارد فرایند فراتحلیل شده است. در نهایت توسط نرم‌افزار CAM2 اندازه اثر هر تحقیق برآورده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تعهد صادرات با اندازه اثر ۲۶٪، بازارگرایی با اندازه اثر ۴۲۱٪، استراتژی‌های صادراتی با اندازه اثر ۳۲۸٪، و مزیت رقابتی با اندازه اثر ۲۹۵٪ بر عملکرد صادرات تأثیر دارند. حسنون و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر تحریم‌ها بر صادرات غیرنفتی ایران پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از داده‌های دوره ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۲ بوده، و در مدلسازی از روش سری زمانی ساختاری بهره گرفته شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان داده است که تحریم‌ها تأثیری منفی و معنی‌دار بر صادرات غیرنفتی کشور داشته است. همچنین تولید ناخالص داخلی واقعی، درجه بازبودن و نرخ واقعی ارز تأثیر مثبت و معنی‌داری بر صادرات غیرنفتی کشور داشته‌اند و رابطه مبادله یا همان نسبت شاخص قیمت کالای صادراتی به وارداتی، تأثیری منفی و معنی‌دار بر صادرات غیرنفتی داشته است. همچنین نتایج نشان

داده است سطح و شیب روند ضمنی تأثیری معنی‌دار بر صادرات غیرنفتی داشته است که نشان‌دهنده تأثیر معنی‌دار عوامل غیرقابل مشاهده بر روند صادرات غیرنفتی است.

پهلوانی و همکاران (۱۳۸۶) به مقاله‌ای تحت عنوان تخمین توابع تقاضای صادرات و واردات در اقتصاد ایران با استفاده از روش همگرایی ARDL پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی و برای دوره زمانی ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۵ صورت گرفته است. بر اساس برآورد نتایج؛ برآورد درآمد ملی تأثیر مثبت و معنی‌دار و قیمت‌های نسبی وارداتی و نرخ ارز تأثیر منفی و معنادار بر تابع تقاضای واردات ایران داشته است. همچنین، در تابع تقاضای صادرات، درآمد جهانی و نرخ ارز تأثیر مثبت و معنادار و قیمت‌های نسبی صادراتی تأثیر منفی و معنادار بر تابع صادرات داشته‌اند.

شاکری (۱۳۸۴) در مقاله‌ای به بررسی عوامل تعیین‌کننده صادرات غیرنفتی ایران پرداخته است. بدین منظور، صادرات غیرنفتی تابعی از دو متغیر قیمتی نرخ ارز بازار آزاد و نرخ تورم و دو متغیر مبنایی بهره‌وری و رقابت‌پذیری در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که صادرات غیرنفتی به طور اساسی به وضعیت متغیرهای مبنایی بهره‌وری و رقابت‌پذیری وابسته بوده اما متغیر قیمتی نرخ ارز، اگرچه بر صادرات تأثیر مثبت داشته اما این تأثیر قابل ملاحظه و تعیین‌کننده نبوده است.

بر اساس مطالعات انجام‌شده در حوزه صادرات ایران، می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد صادراتی کشور تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، ساختاری، نهادی و فناورانه قرار دارد و تبیین آن صرفاً بر مبنای متغیرهای قیمتی نظیر نرخ ارز امکان‌پذیر نیست. اگرچه برخی پژوهش‌ها از جمله پهلوانی و همکاران (۱۳۸۶)، حسونند و همکاران (۱۳۹۷) و نجفی چالشتی و همکاران (۱۴۰۴) نشان داده‌اند که افزایش نرخ ارز یا شرایط ناشی از تحریم‌ها از طریق تضعیف ارزش پول ملی می‌تواند در برخی دوره‌ها به رشد صادرات منجر شود، اما نتایج مطالعات جدیدتر همچون یزدانی و همکاران (۱۴۰۳)، دهقان خاوری و همکاران (۱۴۰۲)، شاکری (۱۳۸۴) و باقرپور اسکویی (۱۴۰۳) بیانگر آن است که اثر نرخ ارز بر صادرات ایران نه تنها همواره مثبت و پایدار نبوده، بلکه در بسیاری از موارد به دلیل وابستگی تولید به نهاده‌های وارداتی، ضعف ساختارهای تولیدی و محدودیت‌های نهادی، نتوانسته است به بهبود معنادار عملکرد صادراتی منجر شود. همچنین نتایج پژوهش‌ها در خصوص آثار تحریم‌ها بر صادرات یکسان نیست. در حالی که حسونند و همکاران (۱۳۹۷) و عادل و همکاران (۱۴۰۱) تحریم‌ها را عاملی بازدارنده و کاهنده صادرات دانسته‌اند و از خسارت‌های قابل توجه صادراتی ناشی از آن سخن گفته‌اند، نجفی چالشتی و همکاران (۱۴۰۴) نشان داده‌اند که تحریم‌ها از مسیر افزایش نرخ ارز در برخی سال‌ها زمینه رشد صادرات غیرنفتی را فراهم کرده‌اند. این تفاوت نتایج نشان می‌دهد که آثار تحریم‌ها بر صادرات به شرایط زمانی، ساختار اقتصادی و کانال‌های انتقال اثر وابسته بوده و نمی‌توان درباره آن حکمی کلی صادر کرد. از سوی دیگر، بخش قابل توجهی از ادبیات پژوهش بر

اهمیت عوامل غیرقیمتی در توسعه صادرات تأکید دارد. مطالعات راعی و دهمرده (۱۴۰۰)، سپهردوست و همکاران (۱۳۹۹)، معصوم و یوسفی (۱۳۹۹) و شاکری (۱۳۸۴) نشان می‌دهند که متغیرهایی نظیر آموزش و توسعه منابع انسانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، بهره‌وری علمی، بازاریابی، استراتژی‌های صادراتی، مزیت رقابتی و سطح بهره‌وری نقش تعیین‌کننده‌تری در ارتقای صادرات ایفا می‌کنند. این یافته‌ها بیانگر آن است که موفقیت صادراتی بیش از آنکه به تغییرات کوتاه‌مدت نرخ ارز وابسته باشد، نیازمند تقویت زیرساخت‌های دانشی، نوآوری، رقابت‌پذیری و بهبود محیط کسب‌وکار است.

با توجه به موارد بیان شده، می‌توان بیان داشت وجه تمایز مطالعه حاضر با مطالعات پیشین، به صورت زیر است؛

اول؛ دوره زمانی تحقیق است، همان‌طور که بررسی شد تاکنون مطالعه‌ای در خصوص شاخص صادرات ایران در دوره سند چشم‌انداز صورت نگرفته است.

دوم؛ این مطالعه هم وضعیت ایران در خصوص شاخص صادرات را در تمامی دوران سند چشم‌انداز بررسی می‌کند، و هم به وسیله مدل اقتصادسنجی نشان می‌دهد که چه عواملی در طی سال‌های سند، مانع از رسیدن به اهداف متصور در سند و وضعیت نابسامان شاخص مذکور در ایران شده است.

سوم؛ یکی دیگر از تفاوت‌های این مطالعه با سایر مطالعات در ارزیابی اثرات تحریم‌ها است. در مطالعات مختلفی ممکن است اثرات تحریم‌ها بر متغیرهای گوناگون مورد توجه قرار گرفته باشد، اما آن چه در این مطالعه انجام شده، بررسی اثر تحریم‌های مقاطع مختلف (به صورت جداگانه) بر متغیر صادرات می‌باشد.

۲-۲-۲. مطالعات خارجی

هدایت^۱ و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر نرخ ارز، تورم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مخارج دولت و باز بودن اقتصاد بر صادرات، واردات و رشد اقتصادی در کشور اندونزی پرداختند. آنها نشان دادند که کاهش ارزش پول ملی (روپیه) در برابر دلار آمریکا، منجر به افزایش صادرات و واردات نشده است. یافته دیگر این پژوهش آن بود که تورم، تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی این کشور نداشته است.

آیداش و کانبالوغلو^۲ (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای جامع، به بررسی پویایی‌های عملکرد صادرات ترکیه در واکنش به متغیرهای کلان اقتصادی پرداختند. آن‌ها با استفاده از رویکرد ARDL نشان دادند که در بلندمدت، نرخ ارز مؤثر واقعی یک عامل بازدارنده و معنادار برای صادرات است؛ به طوری که تقویت لیر ترکیه به کاهش رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی منجر می‌شود. در مقابل، رشد اقتصادی به عنوان یک محرک مثبت

1. Agus Maolana Hidayat

2. Aydas, M., & Canbaloglu, B.



و معنادار عمل کرده و از فرضیه رشد صادرات محور حمایت می‌کند. همچنین اثر تورم بر صادرات مثبت اما از نظر آماری بی معنا بود. نتایج مدل تصحیح خطا نیز تأیید کرد که تعدیلات کوتاه مدت، مدل را به مسیر تعادلی بلندمدت خود بازمی‌گرداند.

سفیان و آلبینیا^۱ (۲۰۲۳) با هدف تحلیل تأثیر نرخ ارز و تورم بر ارزش صادرات غیرنفتی و گازی اندونزی، از مدل رگرسیون خطی چندگانه بهره گرفتند. نتایج این پژوهش نشان داد که اگرچه نرخ ارز به صورت مجزا فاقد اثر معناداری بر ارزش صادرات است، اما نرخ تورم به تنهایی چنین تأثیری را دارد. نکته کلیدی پژوهش این بود که این دو متغیر، زمانی که به صورت توأم و ترکیبی در نظر گرفته شوند، تأثیر معناداری بر صادرات غیرنفتی و گازی اعمال می‌کنند.

ایلماس^۲ و همکاران (۲۰۲۲) به ارزیابی اثرات همزمان تورم و نرخ ارز بر صادرات در گروهی از کشورهای آسه‌آن (اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا) با استفاده از رویکرد رگرسیون داده‌های تابلویی، پرداختند. تحلیل‌های آماری آنها وجود یک رابطه معکوس و معنادار را میان هر یک از این دو متغیر با حجم صادرات تأیید کرد. بر این اساس، پژوهش مذکور نتیجه می‌گیرد که عملکرد صادراتی به شدت به شرایط اقتصاد کلان وابسته است و نمی‌توان استراتژی‌های تجاری بین‌المللی را بدون در نظر گرفتن این عوامل تدوین نمود.

رزاندی و یاسین (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر نرخ ارز، تورم و درآمد ملی بر صادرات غیرنفتی اندونزی نشان دادند که نرخ ارز تأثیری منفی و معنادار و تولید ناخالص داخلی، تأثیری مثبت و معنادار بر ارزش صادرات غیرنفتی اندونزی داشته‌اند، در حالی که تورم تأثیر معناداری بر آن نداشته است.

حفیظ عصیم^۳ (۲۰۲۲) به بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صادرات در کشور فنلاند پرداخته است. داده‌های سری زمانی به کار رفته در این تحقیق از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۲۰ است. این مطالعه با استفاده از تکنیک جوهانسن، از مدل تصحیح خطای برداری (VECM) برای همجمعی استفاده می‌کند. یافته‌های تجربی همجمعی، وجود رابطه‌ی معنادار بین صادرات و عوامل تعیین‌کننده‌ی مختلف آن را در بلندمدت نشان می‌دهد. نتایج VECM نشان داد که نرخ ارز و وجوه ارسالی، عوامل تعیین‌کننده‌ی معنادار و مثبتی برای صادرات فنلاند در بلندمدت هستند. در عین حال، تأثیر نرخ ارز و وجوه ارسالی بر صادرات فنلاند در کوتاه مدت معنادار اما منفی است. از سوی دیگر، رشد صنعتی و فساد به عنوان عوامل برون‌زا در پویایی‌های کوتاه مدت در مدل گنجانده شده‌اند. تأثیر رشد صنعتی بر عملکرد صادرات مثبت و معنادار است در حالی که فساد بر صادرات اقتصاد فنلاند تأثیر منفی می‌گذارد. این مطالعه، یک سیاست ارزی مساعد و پایدار و کنترل فساد را برای تشویق صادرات پیشنهاد کرده است.

1. Sava Albinia , Mohammad Sofyan

2. Naptania Ilmas

3. Hafiz Asim

نوپيانا و همکاران^۱ (۲۰۲۲) تأثیر نرخ ارز، صادرات و واردات بر رشد اقتصادی در اندونزی را بررسی کرده‌اند. در واقع، هدف این مطالعه تعیین تأثیر نرخ ارز، صادرات و واردات بر بهبود اقتصادی در اندونزی است. این تحقیق از یک تکنیک و رویکرد کمی استفاده می‌کند. داده‌های دریافتی در این مشاهده، داده‌های ثانویه‌ای هستند که از بانک جهانی به صورت جمع‌آوری زمانی از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۸ دریافت شده‌اند. ارزیابی داده‌ها از طریق بیش از یک ارزیابی رگرسیون با کمک ابزارهای سری زمانی انجام شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که متغیرهای نرخ ارز و واردات تأثیر عمده‌ای بر رشد اقتصادی دارند. در همین حال، متغیر صادرات تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد.

توماس^۲ (۲۰۲۰) تأثیر رشد اقتصادی و نرخ ارز بر واردات و صادرات در آفریقای جنوبی پس از بحران مالی ۲۰۰۸ را بررسی کرده است. در واقع، هدف این مقاله تعیین تأثیر نرخ ارز و رشد اقتصادی بر صادرات و واردات در اقتصاد آفریقای جنوبی است. برای دستیابی به این هدف، آزمون‌های هم‌انباشتگی با استفاده از مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) انجام شده است. همچنین، داده‌های سری زمانی به کار رفته در این مطالعه به صورت فصلی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ می‌باشد. مدل تصحیح خطا و آزمون‌های علیت گرنجر برای تعریف رابطه کوتاه‌مدت و علی بین متغیرها انجام شد. تحلیل‌های رگرسیون وجود یک رابطه بلندمدت را در متغیرهای تخمین زده شده نشان می‌دهد. یافته‌های مطالعه نشان داد که رشد اقتصادی تأثیر مثبتی بر صادرات و واردات دارد. علاوه بر این، متن علیت گرنجر، علیت دو طرفه بین نرخ ارز و واردات را نشان می‌دهد؛ بین رشد اقتصادی و واردات، و بین نرخ ارز و رشد اقتصادی. به طور خلاصه، متغیرهای مورد استفاده رابطه علی با یکدیگر دارند. بر اساس یافته‌ها، این مطالعه بر اهمیت رشد اقتصادی تأکید کرده و بر نقش نرخ ارز در حفظ تعادل بین واردات و صادرات تأکید دارد. این مطالعه توصیه کرده که برای احیای اقتصاد رو به زوال آفریقای جنوبی، باید به ارزش پول و رشد اقتصادی توجه فوری شود.

عبداله و خالد علی^۳ (۲۰۱۹) به مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر صادرات و واردات و تأثیر آنها بر رشد اقتصادی عراق پرداخته‌اند. در واقع، این مقاله به بررسی رابطه علی بین صادرات، واردات و رشد اقتصادی عراق می‌پردازد. داده‌ها به صورت سری زمانی سالانه برای دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۱۷ هستند. با انجام آزمون مربوطه مشخص شد داده‌ها در سطوح مختلف پایا هستند. برای تعیین رابطه بلندمدت بین متغیرها، از روش هم‌انباشتگی جوهانسن استفاده شده است. علاوه بر این، از آزمون علیت گرنجر برای جهت‌دهی علیت بین متغیرها استفاده شده است. این مقاله نشان می‌دهد که در بلندمدت، صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی هم جمع هستند و متغیرها ارتباط بلندمدت دارند. نتیجه

1. Nopiana

2. Thomas Habanabakize

3. Abdulla & Khalid Ali

علیت گرنجر نشان می‌دهد که صادرات بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد، در حالی که واردات نیز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی عراق دارد. برعکس، رابطه بین صادرات و واردات نشان می‌دهد که هرگونه افزایش در حجم صادرات، حجم واردات را افزایش می‌دهد. با این حال، عکس این قضیه صادق نیست زیرا حجم واردات بر صادرات در عراق تأثیری ندارد.

سامیاتی^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر صادرات تولیدی در اندونزی پرداخته است. در واقع، هدف این مطالعه تعیین عواملی است که بر صادرات تولیدی در اندونزی تأثیر می‌گذارند. این مطالعه از داده‌های سری زمانی با ۴۰ مشاهده داده از فصل اول ۲۰۱۰ تا فصل چهارم ۲۰۱۹ استفاده می‌کند. روش تحلیل این مطالعه مدل تصحیح خطای برداری (VECM) است که می‌تواند به صورت پویا اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت را توصیف کند. عوامل تعیین‌کننده صادرات که در این مطالعه بررسی شده عبارتند از: تورم، نرخ ارز روپی، تولید ناخالص داخلی (GDP) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI). این مطالعه نشان می‌دهد که تورم با ۱ وقفه، صادرات صنعتی را هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، تولید ناخالص داخلی در کوتاه‌مدت در وقفه ۱ و وقفه ۲ تأثیر مثبتی بر صادرات صنعتی دارد، در حالی که در بلندمدت، تولید ناخالص داخلی فقط در وقفه ۱، تأثیر مثبت دارد. در همین حال، نرخ ارز و عوامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت، بر صادرات صنعتی تأثیری نداشتند. این مطالعه نشان می‌دهد که تورم و تولید ناخالص داخلی عوامل اساسی در طراحی سیاست‌های افزایش صادرات در اندونزی، از جمله صادرات محصولات تولیدی، هستند.

گاروراج و همکاران^۲ (۲۰۱۶) به مطالعه‌ای تحت عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر عملکرد صادرات در هند پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نرخ تورم، نرخ ارز مؤثر واقعی (REER) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) با ارزش صادرات رابطه منفی دارند.

کوانگ چو^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر صادرات چین پرداخته‌اند. این مقاله با استفاده از یک مدل اقتصادسنجی فضایی، بررسی می‌کند که آیا صادرات چین تحت تأثیر ریسک سیاسی، ادغام اقتصادی و اثرات فضایی قرار می‌گیرد یا خیر. نتایج نشان می‌دهد که با رشد اقتصاد چین، تأثیر بازار داخلی بر صادرات آن مشهود است. سطح بالاتری از ادغام اقتصادی برای صادرات چین سودمند است. یک رابطه جانشینی بین OFDI چین و صادرات کشف شده است. علاوه بر این، درآمد سرانه بالاتر کشورهای شریک و درجه بالای باز بودن اقتصاد، هر دو برای صادرات چین مفید هستند. کشورهای شریک چین، با ارزش‌های بالاتر تجارت صادراتی‌شان، عمدتاً کشورهایی با ریسک سیاسی پایین‌تر بوده‌اند.

1. Sumiyati

2. B. Gururaj et al.

3. kuang chou

الشهاوی^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر صادرات کشور مصر با استفاده از شواهدی از تحلیل مدل جاذبه پرداخته‌اند. در واقع، این مقاله به بررسی عواملی می‌پردازد که بر جریان صادرات دوجانبه مصر به شرکای تجاری اصلی آن تأثیر می‌گذارند. بر اساس داده‌های تابلویی، از رویکرد مدل جاذبه برای تخمین صادرات مصر از طریق داده‌های سالانه که دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ را برای ۴۲ شریک تجاری اصلی پوشش می‌دهد، استفاده شده است. مدل جاذبه در داده‌های تابلویی با اثرات ثابت خود، ۸۴ درصد از نوسانات صادرات مصر را توضیح می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی مصر، تولید ناخالص داخلی واردکننده، جمعیت واردکننده، توافق نامه‌های تجاری منطقه‌ای (RTA) و مرز بین مصر و شریک تجاری آن، عوامل اصلی مؤثر بر صادرات مصر به شرکای تجاری اصلی آن هستند. همه این عوامل بر صادرات مصر تأثیر مثبت می‌گذارند. همچنین، هزینه‌های حمل و نقل (متغیر مسافت) تأثیر منفی اما بی‌معنی بر صادرات مصر دارند.

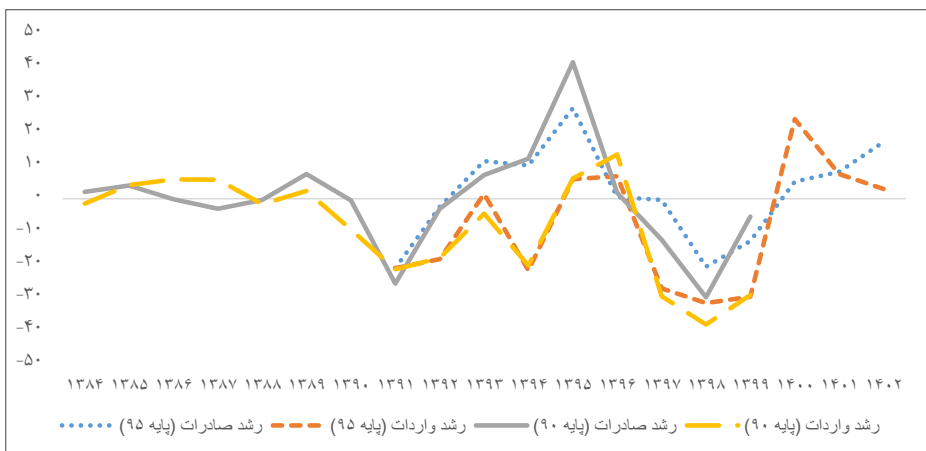
۳. بررسی تحولات تجارت خارجی ایران و مقایسه با کشورهای منطقه

در این بخش، ابتدا روند تجارت خارجی ایران در سال‌های دوره چشم‌انداز بر اساس آمار و اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. از طرفی، برای بررسی وضعیت ایران در طی دوره چشم‌انداز، نیاز است مقایسه‌ای از عملکرد ایران و سایر کشورهای منطقه صورت گیرد تا به صورت دقیق‌تر عملکرد کشور در این سال‌ها نمایان شود. از این رو، در ادامه با توجه به آمار و اطلاعات بانک جهانی، ابتدا عملکرد ایران در حوزه شاخص صادرات در بین کشورهای منطقه در کل سال‌های چشم‌انداز بررسی شده، و سپس به مقایسه عملکرد ایران و سایر کشورهای منطقه در قالب سه برنامه توسعه ایران در سال‌های چشم‌انداز پرداخته شده است. در نهایت، مقایسه‌ای از عملکرد ایران و سایر کشورهای منطقه بر اساس متوسط کل دوره مورد بررسی، انجام شده است.

نمودارهای (۱) و (۲) نمایانگر روند تجارت خارجی ایران در طی دوره چشم‌انداز به صورت سالانه و فصلی است.

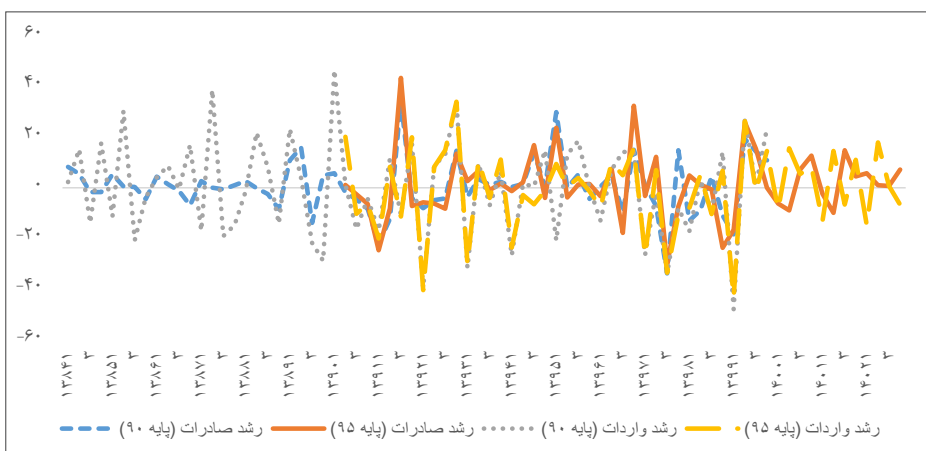
1. Elshehawy





مأخذ: اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۱. تجارت خارجی سالانه در دوره چشم‌انداز - درصد



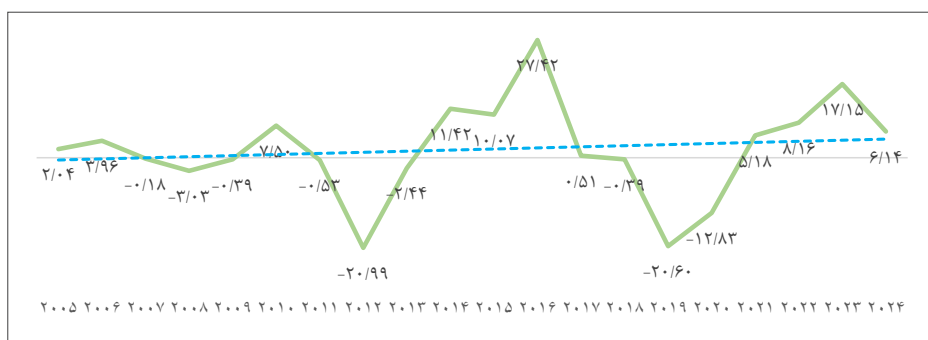
نمودار ۲. تجارت خارجی فصلی در دوره چشم‌انداز - درصد

همان طور که از نمودارهای (۱) و (۲) پیداست، تجارت خارجی کشور در طی سال های دوره چشم انداز با نوسانات زیادی روبرو بوده است. در سال ۱۳۸۴ مصادف با سال شروع سند چشم انداز، براساس سال پایه ۱۳۹۰؛ رشد صادرات کشور ۲ درصد بوده، در حالی که رشد واردات ۱٫۵- درصد می باشد. در سال ۱۳۸۵ نیز همانند سال گذشته رونق در بازارهای جهانی نفت موجب تقویت بخش خارجی اقتصاد گردید. علی رغم حجم وسیع واردات، رشد قیمت نفت و به تبع آن منابع نفتی کشور موجب افزایش ذخایر خارجی و وضعیتی قابل دوام در بدهی های خارجی کشور شد. در سال مذکور، براساس آمار توسط سازمان جهانی تجارت، سهم ایران از تجارت جهانی در سال ۲۰۰۶ برابر ۰٫۰۸ درصد کل صادرات، و ۰٫۰۵ درصد کل واردات جهانی بود. با توجه به آمار بی سابقه صادرات نفت و گاز کشور در دوره مذکور، سهم ایران از صادرات غیرنفتی جهان بسیار اندک بوده است.^۱ لازم به ذکر است در این سال رشد صادرات ایران معادل ۴ درصد، و رشد واردات کشور نیز معادل ۴٫۱ درصد بوده است. در سال ۱۳۸۶ رشد صادرات کشور به شدت کاهش یافت و منفی شد. اما در مقابل واردات ایران افزایشی بود و به ۵٫۸ درصد رسید. با اعمال تحریم های تجاری علیه ایران، رشد صادرات کشور در سال های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ کاهش یافت. به طوری که در دو سال مذکور به ترتیب ۳- و ۴- درصد بوده است. از طرفی، واردات کشور در سال ۱۳۸۷ نیز مثبت و معادل ۵٫۸ درصد بود، اما در سال ۱۳۸۸ به منفی ۱٫۸ درصد کاهش یافته است. در سال ۱۳۸۹ در بخش تجارت خارجی، به قیمت های ثابت سال ۱۳۹۰، صادرات کالاها و خدمات رشدی معادل ۷٫۵ درصد و واردات رشدی معادل ۲٫۳ درصد داشته اند. در سال ۱۳۹۰ هرچند صادرات کشور با رشدی منفی معادل ۰٫۵ درصد مواجه بوده، اما اوضاع واردات نیز به همین شکل بوده است. در این سال واردات ایران با رشدی معادل ۹٫۳- درصد همراه بوده است. با شروع تحریم های ترکیبی علیه ایران، تجارت خارجی کشور به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ رشد صادرات کشور به ترتیب ۲۵٫۵- و ۳٫۱- درصد بوده است. البته با روی کار آمدن دولت دوازدهم و شکل گیری مذاکرات بین المللی، شکل گیری انتظارات مثبت و در نهایت به نتیجه رسیدن توافق نامه برجام، اوضاع صادرات در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ بهبود یافت و با رشدهای قابل قبولی همراه بود. این اوضاع در سال ۱۳۹۵ نیز ادامه یافت، به طوری که بهترین عملکرد ایران از لحاظ شاخص رشد صادرات، در سال ۱۳۹۵ اتفاق افتاد. در این سال رشد صادرات کشور معادل ۴۱٫۳ درصد بود، که نسبت به سال قبل آن ۲۹٫۲ واحد درصد رشد داشته است. در این سال های (۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴) رشد واردات کشور همواره منفی بوده، اما در سال ۱۳۹۵ رشدی معادل ۶٫۱ درصد داشته است. روند مثبت بودن رشد صادرات و واردات ایران (هرچند با کاهش) در سال ۱۳۹۶ نیز ادامه داشت. اما، با روی کار آمدن دولت جدید ایالات متحده در سال ۱۳۹۷ و شروع تحریم های ترکیبی علیه اقتصاد ایران، صادرات و واردات کشور تا سال ۱۳۹۹

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش خلاصه تحولات اقتصادی، سال ۱۳۸۵

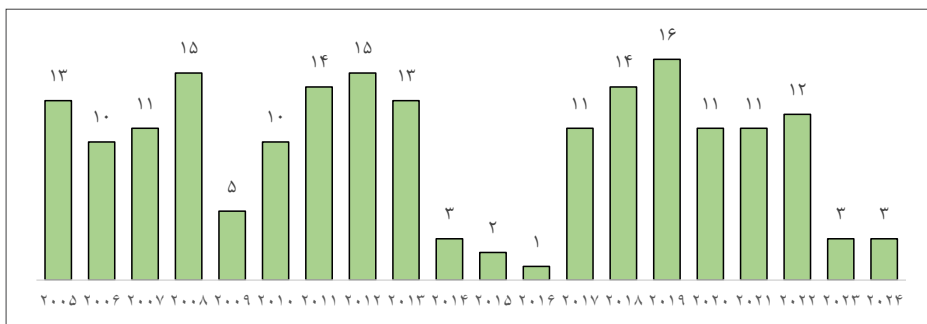
با رشد‌های منفی همراه بود. البته می‌بایست تأثیر ویروس کرونا و کاهش تجارت جهانی نیز در سال ۱۳۹۹ در نظر گرفته شود. از سال ۱۴۰۰ روند و با روی کارآمدن دولت بایدن در آمریکا، روند صادرات و واردات ایران دوباره به مدار مثبت بازگشت. در طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ بر اساس سال پایه ۱۳۹۵، رشد صادرات ایران با یکی روند صعودی به ترتیب معادل ۵٫۲، ۸٫۲، و ۱۷٫۱ درصد بوده است. از طرفی، طی این سال‌ها واردات روندی نزولی داشته و به ترتیب معادل ۲۴٫۱، ۷٫۵، و ۳ درصد بوده است.

در ادامه بر اساس اطلاعات بانک جهانی ابتدا روند کلی نرخ رشد صادرات در ایران طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۴ در قالب نمودار (۳) نشان داده شود، و سپس مقایسه‌ای بین ایران و سایر کشورهای منطقه صورت گیرد تا رتبه ایران در این سال‌ها در بین کشورهای مورد بررسی نشان داده شود. لازم به ذکر است که برای بررسی عملکرد صادرات، از دو شاخص رشد دلاری صادرات و نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی برای کشورها استفاده شده است. در ادامه ابتدا به بررسی رشد صادرات پرداخته شده، سپس نسبت صادرات به GDP بحث شده است.



نمودار ۳. رشد صادرات ایران بر اساس دلار ثابت سال ۲۰۱۵ - درصد

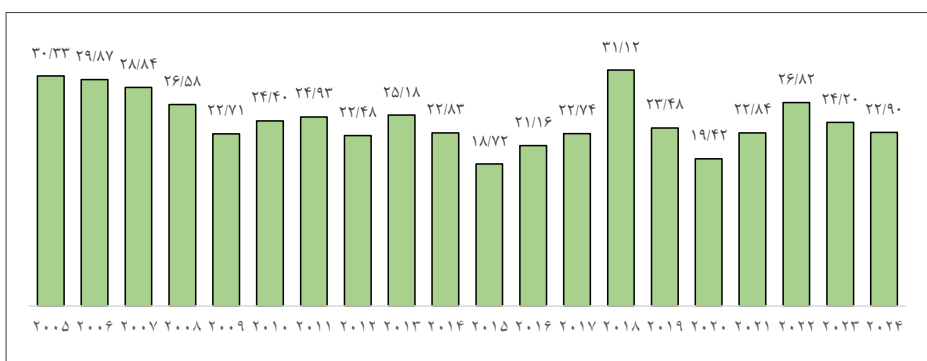
در نمودار (۳) رشد دلاری صادرات ایران برای دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۴ (۱۳۸۴ تا ۱۴۰۳) نشان داده شده است. نمودار نشان می‌دهد هر چند در طی این سال‌ها رشد صادرات ایران دارای نوساناتی بوده، و در برخی از سال‌ها نیز منفی شده است، اما قابل مشاهده است با یک شیب ملایمی روند صعودی بوده است. در این سال‌ها بالاترین رشد سالانه صادرات ایران مربوط به سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) شکل‌گیری انتظارات مثبت و در پی امضای توافق‌نامه برجام روی داده است. در این سال نرخ رشد دلاری صادرات ایران بر اساس دلار ثابت سال ۲۰۱۵، برابر ۲۷٫۴۲ درصد بوده است. از طرفی، در این دوره بدترین نرخ رشد مذکور مربوط به سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱)، و معادل ۲۰٫۹۹- می‌باشد.



نمودار ۴. رتبه ایران در منطقه از لحاظ رشد صادرات

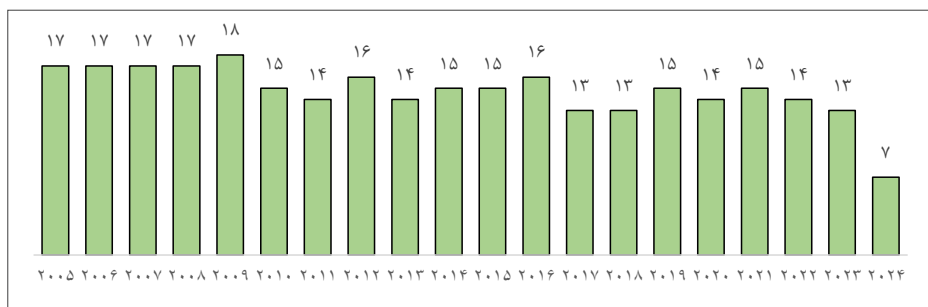
در نمودار (۴) رتبه ایران در بین کشورهای منطقه از لحاظ رشد صادرات نشان داده شده است. بر اساس آمارهای بانک جهانی در خصوص این شاخص در بیشتر سال‌ها اطلاعات ۱۵ یا ۱۶ کشور، و در برخی سال‌ها نیز کم‌تر در دسترس بوده است. از این رو، نمی‌توان به صورت دقیق عملکرد را مورد بررسی قرار داد. اما، آمارها نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) که نرخ رشد صادرات ایران ۲۷٫۴۲ درصد بوده، توانسته به جایگاه اول منطقه از لحاظ این شاخص دست یابد. این عملکرد به وضوح تأثیر روابط بین‌المللی و امضای توافق‌نامه برجام را در بهبود یکی از شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد که دستاورد بزرگی برای دولت وقت محسوب می‌شود. در خصوص سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ نیز باید بیان شود که رتبه سوم در سال ۲۰۲۳ در بین ۱۴ کشور، و رتبه سوم در سال ۲۰۲۴ در بین ۸ کشور که اطلاعات آن‌ها در دسترس بوده، بدست آمده است.

علاوه بر شاخص رشد صادرات، در این بخش شاخص نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در نمودار (۵) روند نسبت مذکور برای ایران نشان داده شده است.



نمودار ۵. نسبت صادرات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی (درصد)

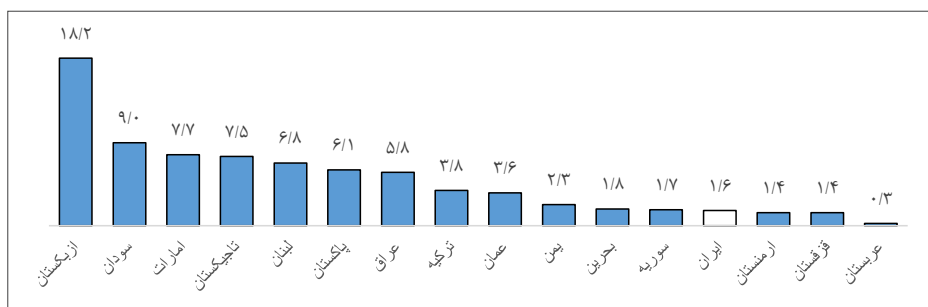
بر اساس نمودار (۵) بهترین نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی برای ایران، مربوط به سال ۲۰۱۸ (۱۳۹۷) با ۳۱٫۱۲ درصد بوده است. کمترین نسبت مذکور نیز برای سال ۲۰۱۵ با ۱۸٫۷۲ درصد رقم خورده است.



نمودار ۶. رتبه ایران از لحاظ شاخص نسبت صادرات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی در بین کشورهای منطقه

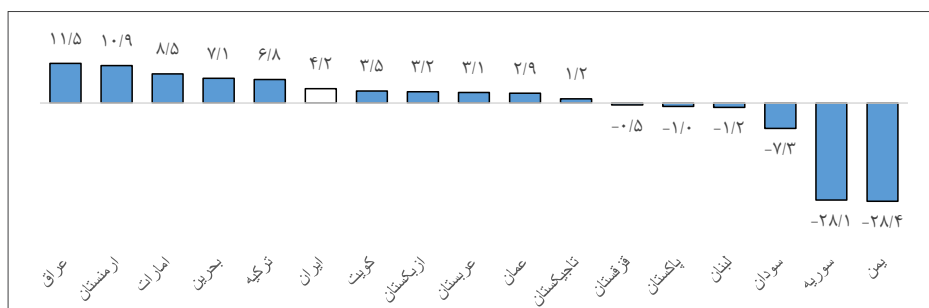
نمودار (۶) رتبه ایران از لحاظ شاخص نسبت صادرات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی در بین کشورهای منطقه را نشان می‌دهد. این نمودار نمایانگر آن است که در طی این سال‌ها ایران از لحاظ این شاخص عملکرد مطلوبی نداشته است. حتی رتبه هفتم مربوط به سال ۲۰۲۴ نیز در بین ۱۰ کشور است، که اطلاعات آن در دسترس بوده است. در این سال‌ها بدترین عملکرد ایران نیز مربوط به سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) با نسبت ۲۲٫۷۱ درصد می‌باشد. در این سال به حدی عملکرد ایران ضعیف بوده، که حتی در سال ۲۰۱۵ که نسبت صادرات به تولید ایران با ۱۸٫۷۲ درصد پایین‌ترین نسبت در بین سال‌ها بوده، باز هم عملکرد آن سال در بین کشورهای منطقه بهتر از سال ۲۰۰۹ بوده است.

با توجه به سال‌های برنامه‌های توسعه، در این قسمت به بررسی و مقایسه عملکرد ایران با کشورهای منطقه در سه دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، و ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ پرداخته شده است.



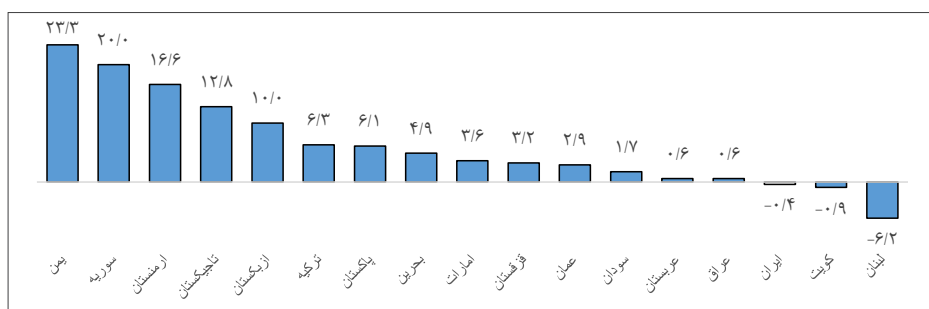
نمودار ۷. متوسط رشد صادرات کشورهای منطقه در دوره برنامه توسعه چهارم ایران (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹) - درصد

نمودار (۷) متوسط رشد دلاری صادرات کشورهای منطقه در طی سال‌های برنامه توسعه چهارم ایران را نشان می‌دهد. بررسی آمار ۱۶ کشور^۱ منطقه در این سال‌ها بیانگر آن است که ایران در جایگاه ۱۳ام قرار دارد. متوسط رشد دلاری صادرات ایران در این دوره ۱٫۶ درصد بوده، که به نوعی نتوانسته رتبه‌ای مناسب را برای کشور رقم بزند.



نمودار ۸. متوسط رشد صادرات کشورهای منطقه در دوره برنامه توسعه پنجم ایران (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵) - درصد

در نمودار (۸)، متوسط رشد صادرات کشورهای منطقه در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ نشان داده شده است. بررسی‌ها حاکی از بهبود قابل توجه عملکرد ایران در برنامه پنجم نسبت به سال‌های برنامه چهارم توسعه، است. در این دوره متوسط رشد دلاری صادرات ایران ۴٫۲ درصد بوده، که نسبت به دوره قبل حدود ۲٫۶ واحد درصد افزایش یافته است. این نرخ، در جایگاه ایران بین کشورهای منطقه نیز بهبود حاصل کرده است. به طوری که در بین ۱۷ کشور مورد بررسی، ایران در این سال‌ها نتوانسته به رتبه ششم دست پیدا کند. در واقع از لحاظ جایگاه، ۷ پله بالاتر آمده است.



نمودار ۹. متوسط رشد دلاری صادرات کشورهای منطقه در دوره برنامه توسعه پنجم ایران (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲) - درصد

۱. لازم به ذکر است که بر اساس آمارها و اطلاعات بانک جهانی صرفاً اطلاعات همین کشورها در دسترس بوده است.

روند بهبود عملکرد ایران در حوزه شاخص رشد صادرات، در سال‌های برنامه ششم توسعه ادامه نیافت. همان‌طور که از نمودار (۹) قابل مشاهده است، در طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲، متوسط رشد دلاری صادرات ایران منفی شده معادل ۰٫۴- درصد بوده است. در این دوره جایگاه ایران بین ۱۷ کشور بررسی شده در منطقه، ۱۵ بوده، که پایین‌ترین رتبه در بین سه برنامه می‌باشد، و نشان‌دهنده عملکرد نامناسب در حوزه این شاخص است.

در جدول زیر متوسط نسبت صادرات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی ایران در مقایسه با کشورهای منطقه سند چشم‌انداز طی برنامه‌های چهارم تا ششم توسعه، بر اساس گزارش ارزیابی سند چشم‌انداز سازمان برنامه و بودجه کشور نشان داده شده است.

جدول ۱. مقایسه متوسط نسبت صادرات کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی ایران در مقایسه با کشورهای منطقه سند چشم‌انداز طی برنامه‌های چهارم تا ششم توسعه (درصد)

ردیف	کشور	متوسط دوره (۲۰۰۵-۲۰۱۰)	رتبه	متوسط دوره (۲۰۱۱-۲۰۱۶)	رتبه	متوسط دوره (۲۰۱۷-۲۰۲۳)	رتبه	متوسط دوره (۲۰۰۵-۲۰۲۳)	رتبه
۱	اردن	۵۱٫۴۹	۸	۴۱٫۰۲	۱۰	۳۵٫۰۶	۱۲	۴۲٫۱۳	۸
۲	ارمنستان	۱۹٫۳۹	۲۲	۲۸٫۴۱	۱۴	۴۲٫۰۴	۸	۳۰٫۵۸	۱۴
۳	ازبکستان	۳۵٫۶۹	۱۷	۱۷٫۲۹	۱۹	۲۲٫۷۵	۱۸	۲۵٫۱۱	۱۷
۴	افغانستان	-	-	-	-	-	-	-	-
۵	امارات متحده عربی	۷۴٫۴۲	۲	۹۵٫۸۲	۱	۱۰۰٫۵۰	۱	۹۰٫۷۹	۱
۶	ایران	۲۷٫۱۲	۲۰	۲۲٫۵۵	۱۷	۲۴٫۳۷	۱۵	۲۴٫۶۷	۱۸
۷	آذربایجان	۶۱٫۵۵	۴	۴۷٫۵۵	۶	۴۸٫۹۸	۶	۵۲٫۵۰	۶
۸	بحرین	۷۷٫۶۶	۱	۸۹٫۳۳	۲	۸۰٫۰۷	۲	۸۲٫۲۳	۲
۹	پاکستان	۱۲٫۲۲	۲۳	۱۱٫۲۴	۲۳	۹٫۳۷	۲۲	۱۰٫۸۶	۲۲
۱۰	تاجیکستان	۳۸٫۶۱	۱۳	۱۲٫۸۳	۲۲	۱۷٫۰۲	۱۹	۲۲٫۸۲	۱۹
۱۱	ترکمنستان	۴۲٫۱۶	۱۲	۴۵٫۵۱	۷	۲۳٫۱۴	۱۷	۳۶٫۲۱	۱۳
۱۲	ترکیه	۲۲٫۳۸	۲۱	۲۳٫۹۹	۱۶	۳۲٫۲۴	۱۴	۲۶٫۵۲	۱۶
۱۳	سوریه	۳۶٫۲۴	۱۴	۱۲٫۹۷	۲۱	۱۳٫۸۸	۲۱	۲۱٫۰۳	۲۰
۱۴	عراق	۴۶٫۷۴	۱۱	۳۸٫۳۶	۱۱	۳۷٫۰۸	۹	۴۰٫۷۳	۱۰
۱۵	عربستان سعودی	۵۵٫۹۳	۶	۴۴٫۹۷	۸	۳۳٫۹۳	۱۳	۴۴٫۳۶	۷
۱۶	عمان	۵۵٫۳۸	۷	۵۷٫۵۱	۵	۵۰٫۲۵	۵	۵۴٫۳۸	۵
۱۷	قرقیزستان	۴۸٫۷۹	۱۰	۴۱٫۶۱	۹	۳۵٫۷۵	۱۰	۴۱٫۷۲	۹

ردیف	کشور	متوسط دوره (۲۰۰۵-۲۰۱۰)	رتبه	متوسط دوره (۲۰۱۱-۲۰۱۶)	رتبه	متوسط دوره (۲۰۱۷-۲۰۲۳)	رتبه	متوسط دوره (۲۰۰۵-۲۰۲۳)	رتبه
۱۸	قزاقستان	۴۹,۴۵	۹	۳۸,۱۵	۱۳	۳۵,۲۳	۱۱	۴۰,۶۴	۱۱
۱۹	قطر	۶۰,۵۰	۵	۶۵,۷۶	۳	۵۶,۲۴	۳	۶۰,۸۴	۳
۲۰	کویت	۶۴,۳۰	۳	۶۴,۷۹	۴	۵۲,۷۱	۴	۶۰,۶۰	۴
۲۱	گرجستان	۳۱,۱۴	۱۸	۳۸,۲۹	۱۲	۴۷,۳۱	۷	۳۹,۳۶	۱۲
۲۲	لبنان	۳۶,۰۲	۱۵	۲۶,۷۴	۱۵	۲۳,۴۳	۱۶	۲۸,۷۳	۱۵
۲۳	مصر	۲۸,۳۲	۱۹	۱۵,۲۹	۲۰	۱۵,۲۷	۲۰	۱۹,۴۰	۲۱
۲۴	یمن	۳۵,۷۰	۱۶	۱۸,۸۲	۱۸	-	-	-	-

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه کل کشور، گزارش ارزشیابی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، سال ۱۴۰۴

در برنامه‌های توسعه ایران (به ویژه برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه)، همواره بر توسعه صادرات غیرنفتی، کاهش وابستگی به نفت و افزایش سهم صادرات در GDP تأکید شده است اما در عمل و طبق نتایج به دست آمده از اطلاعات بانک جهانی، نسبت صادرات به GDP در ایران در جایگاهی پایین‌تر از بسیاری از کشورهای منطقه قرار دارد. در برنامه چهارم توسعه با میزان ۲۷,۱۲ درصد در جایگاه بیستم (در بین ۲۳ کشور مورد مقایسه) قرار دارد. در برنامه پنجم توسعه با وجود کاهش این نسبت در مقایسه با دوره قبل (میزان ۲۲,۵۵ درصد) به جایگاه هفدهم ارتقا یافته و در برنامه ششم توسعه با میزان ۲۴,۳۷ درصد به جایگاه پانزدهم (در بین ۲۲ کشور مورد مقایسه) رسیده است.

بر این اساس، نسبت صادرات به GDP در ایران رشد پایداری نداشته و بیش‌تر تحت تأثیر نوسانات بازار نفت، تحریم‌ها و مشکلات داخلی بوده است. همچنین، زیرساخت‌های تجاری، لجستیکی، گمرکی و بانکی نتوانسته‌اند همگام با این اهداف توسعه یابند. علاوه بر این، بی‌ثباتی سیاست‌های ارزی و تجاری مانع جذب سرمایه‌گذاری برای توسعه صادرات شده است. جایگاه ایران از نظر این شاخص در برنامه‌های توسعه، از منظر اهداف مطلوب است اما از منظر عملکرد، نسبت به کشورهای منطقه ضعیف‌تر ارزیابی می‌شود. عواملی چون تحریم‌ها، ضعف دیپلماسی اقتصادی، زیرساخت‌های ناکافی و عدم تنوع صادراتی باعث شده است ایران از رقبای منطقه‌ای خود عقب بماند.^۱

در ادامه جایگاه ایران در بین کشورهای منطقه از لحاظ متوسط رشد صادرات در بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۴ بررسی شده است.

۱. سازمان برنامه و بودجه کل کشور، گزارش ارزشیابی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، سال ۱۴۰۴



نمودار ۱۰. متوسط رشد دلاری صادرات کشورهای منطقه در بین سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۴

نمودار (۱۰) متوسط رشد صادرات (بر اساس دلار ثابت سال ۲۰۱۵) کشورهای منطقه در بین سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۴ را نشان می دهد. نتایج بررسی ۱۷ کشور منطقه بر اساس اطلاعات آماری بانک جهانی نشان می دهد؛ کشور ایران با متوسط رشد ۱/۹۱ درصدی صادرات در رتبه ۱۱ قرار گرفته است.

۴. مبانی مدل و روش تحقیق

با توجه به بحث های مبانی نظری و پیشینه پژوهش، و همچنین مطالب مربوط به تحولات متغیرها، در این قسمت برای متغیر صادرات یک معادله در نظر گرفته شده است. این معادله برای دوره ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۲ با تواتر فصلی با استفاده از الگوی توزیع وقفه ای خودرگرسیون برآورد خواهد شد.

الگوی کلان تحقیق:

$$LN X = C_1 L N G D P + C_2 L N E R + C_3 L N G D P C H I N A + C_4 D S 1 + C_5 D S 2 + C_6 D S 3 + C_7 D C + U \quad (4)$$

در رابطه ۴:

X : صادرات،

GDP : تولید ناخالص داخلی،

ER : نرخ ارز،

DC : متغیر مجازی کرونا،

$DS1$: متغیر مجازی تحریم در مقطع ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۸،

$DS2$: متغیر مجازی تحریم در مقطع ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴،

$DS3$: متغیر مجازی تحریم در مقطع ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰،

DS : متغیر مجازی کرونا.

از آن جاکه در این پژوهش برای برآورد معادله مذکور برای اقتصاد ایران، از الگوی توزیع وقفه‌ای خودرگرسیون استفاده می‌شود، در ادامه توضیحاتی اجمالی در خصوص این روش داده شده است.

الگوی توزیع وقفه‌ای خودرگرسیون (ARDL):

مدل ARDL در حالت کلی به صورت زیر است:

$$Y_t = \alpha + \sum_{i=1}^p \beta_i Y_{t-i} + \sum_{j=0}^q \delta_j X_{t-j} + \varepsilon_t \quad (5)$$

در رابطه (۶)، Y_t متغیر وابسته، X_{t-j} متغیرهای مستقل با وقفه، β_j ضرایب خودرگرسیون، δ_j ضرایب متغیرهای مستقل، عرض a از مبدأ و ε_t جمله خطا هستند.

مدل توزیع وقفه‌ای خودرگرسیون یکی از مدل‌های رگرسیونی پرکاربرد در تحلیل سری‌های زمانی است که برای بررسی روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرها استفاده می‌شود. روش ARDL با ترکیب تحلیل کوتاه‌مدت و بلندمدت در یک مدل، انعطاف‌پذیری بالایی دارد و برای تحلیل‌های اقتصادی که به بررسی پویایی‌های پیچیده نیاز دارند، بسیار مناسب است. از این روش می‌توان در تحلیل سیاست‌های مالی، پولی و بررسی اثر شوک‌های اقتصادی استفاده کرد. از مهم‌ترین مزایای این مدل می‌توان به عملکرد مدل با تعداد کم مشاهدات و مدل‌سازی بدون نیاز به یکسان‌بودن درجه هم‌انباشتگی (درجه پایایی $I(0)$ و $I(1)$ و امکان وجود وقفه‌های بهینه متفاوت متغیرهای مستقل و وابسته اشاره کرد. از دیگر مزایای روش مذکور، تخمین رابطه بلندمدت بین متغیرها و تأکید بر مشکلات خودهمبستگی و درون‌زایی است (نوفرستی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۶ و ۱۳۷).

با توجه به توضیحات بالا، می‌توان با استفاده از رهیافت ARDL روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرها را بررسی کرد. از این رو، برای تخمین معادله تورم از این مدل استفاده خواهد شد تا اثرگذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت هرکدام از متغیرهای توضیحی بر پنج متغیر اصلی مد نظر این تحقیق مشخص شود.

۵. برآورد مدل و تفسیر نتایج

در این بخش، ابتدا نتایج حاصل از آزمون دیکی فولر برای بررسی ریشه واحد متغیرها نشان داده شده است. سپس، نتیجه تخمین مدل و آزمون‌های مورد نیاز شامل؛ آزمون نرمالیتی جاکوبیرا، آزمون خودهمبستگی بروش گادفری، آزمون واریانس ناهمسانی آرج، آزمون CUSUM و CUSUMQ، و آزمون کرانه‌ها (باند) نمایش داده شده است.



نتایج آزمون دیکی-فولر جهت بررسی ریشه واحد:

اولین گام قبل از برآورد سری‌های زمانی، بررسی مانایی متغیرهای مدل می‌باشد. در این پژوهش جهت بررسی مانایی، از آزمون دیکی - فولر استفاده شده است. روند انجام آزمون دیکی - فولر بدین ترتیب است که؛ ابتدا برآورد با وجود روند و عرض از مبدأ صورت می‌گیرد، در این حالت اگر متغیر روند معنادار باشد به سراغ بررسی مانایی متغیر خواهیم رفت. اما اگر روند معنادار نباشد، می‌بایست برآورد تنها با وجود عرض از مبدأ صورت گیرد. در این حالت نیز ابتدا معناداری عرض از مبدأ بررسی شده و در صورتی که عرض از مبدأ معنادار باشد به سراغ بررسی مانایی می‌رویم، اما اگر عرض از مبدأ معنادار نباشد، می‌بایست برآورد بدون روند و عرض از مبدأ انجام شود و سپس مانایی بررسی شود. قابل ذکر است که در صورت عدم مانایی در سطح، می‌بایست تفاضل مرتبه اول گرفته شود، و به ترتیبی که در بالا توضیح داده شد، مجدداً برآوردها انجام شود. در جدول (۲) نتایج بررسی ریشه واحد متغیرها نشان داده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر

متغیر		t-Statistic	Prob	بررسی پایایی
LNGDP	تفاضل مرتبه اول	-۳,۴۳	۰,۰۰۰۰۸	I(1)
		-۱,۹۴		
LNX	سطح	-۳,۲۲	۰,۰۲۲۱	I(0)
		-۲,۹		
LNER	تفاضل مرتبه اول	-۵,۳۸	۰,۰۰۰۰۰	I(1)
		-۲,۹۰		
LNGDPCHINA	تفاضل مرتبه اول	-۳,۰۴	۰,۰۰۰۱۰	I(1)
		-۱,۹۴		

بر اساس جدول (۲) نشان داده می‌شود که متغیرهای تولید ناخالص داخلی، صادرات، نرخ ارز، لگاریتم تولید ناخالص داخلی چین، انباشته از مرتبه صفر و یک می‌باشند، بنابراین می‌توان از روش ARDL برای تخمین معادله استفاده کرد.

نتایج تخمین معادله شاخص صادرات:

در جدا اول (۳) و (۴) نتایج تخمین رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت مربوط به معادله شاخص قیمت مصرف‌کننده نمایش داده شده است.

جدول ۳. نتایج تخمین رابطه کوتاه مدت صادرات

Variable	Coefficient	t-Statistic	Prob
LNGDP	۰٫۴۲۳۱	۵٫۱۸۵	۰٫۰۰۰۰
LNER	۰٫۲۳۰۳	۲٫۱۱۷	۰٫۰۳۸۱
LNER(-1)	-۰٫۲۵۶۵	-۲٫۳۹۸	۰٫۰۱۹۴
LNGDPCHINA	۰٫۰۱۶۴	۰٫۳۷۷	۰٫۷۰۷۴
DS1	-۰٫۰۳۹۴	-۰٫۹۸۸	۰٫۳۲۶۸
DS2	-۰٫۰۹۰۰	-۲٫۶۳۹	۰٫۰۱۰۴
DS3	-۰٫۱۳۵۱	-۲٫۷۴۶	۰٫۰۰۷۸
DC	-۰٫۳۱۷۱	-۱٫۶۹۷	۰٫۰۹۴۴
CointEq(-1)*	-۰٫۴۵۷۱	-۵٫۴۰۳	۰٫۰۰۰۰
			$R^2 = ۰٫۷۶۰$ $\bar{R}^2 = ۰٫۷۱۷$ Prob F = ۰٫۰۰۰۰

جدول ۴. نتایج تخمین رابطه بلندمدت صادرات

Variable	Coefficient	t-Statistic	Prob
LNGDP	۰٫۹۳۰۷	۴۳٫۲۷۰	۰٫۰۰۰۰
LNER	-۰٫۰۹۵۰	-۱٫۷۸۴	۰٫۰۷۹۶
LNGDPCHAINA	۰٫۱۷۲۸	۱٫۲۰۶	۰٫۲۳۲۷

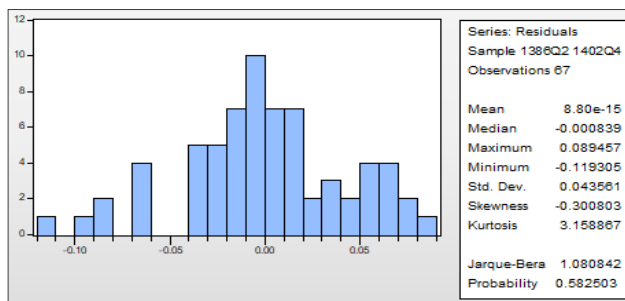
با توجه به نتایج جدول (۳)؛ در کوتاه مدت تولید ناخالص داخلی ایران اثر مثبت و معناداری بر صادرات دارد. ضریب کوتاه مدت برابر ۰٫۴۲۳۱ است که نشان می دهد زمانی که تولید ناخالص داخلی یک درصد افزایش می یابد، صادرات کشور نیز در همان دوره حدود ۰٫۴۲ درصد رشد می کند. این رابطه از منظر نظری کاملاً قابل انتظار است؛ زیرا افزایش تولید، ظرفیت عرضه محصولات صادراتی را بالا می برد. بسیاری از صنایع صادرات محور ایران، از پتروشیمی تا برخی محصولات معدنی و فلزی، به ظرفیت تولید داخلی وابسته اند و رشد تولید به صورت مستقیم قدرت صادراتی آن ها را افزایش می دهد. به علاوه، افزایش تولید می تواند به کاهش هزینه متوسط تولید و افزایش مقیاس اقتصادی کمک کند و از این طریق توان رقابتی کالاهای ایرانی در بازارهای جهانی را تقویت نماید. نرخ ارز نیز در کوتاه مدت نقشی دوگانه در صادرات ایفا می کند. اثر دوره جاری نرخ ارز مثبت و معنادار است (ضریب ۰٫۲۳۰۳). این یافته با مبانی نظری

تجارت بین الملل سازگار است؛ چراکه افزایش نرخ ارز باعث کاهش ارزش ریالی پول داخلی نسبت به ارزهای خارجی شده و کالاهای ایرانی را در بازارهای جهانی ارزان تر و رقابتی تر می کند. به همین دلیل، در همان دوره افزایش نرخ ارز، صادرات افزایش می یابد. اما در وقفه یک نرخ ارز، ضریب منفی و معنادار است (منفی ۰/۲۵۶۵). معنای این نتیجه این است که جهش نرخ ارز در دوره قبل، اگرچه ممکن است در لحظه اول صادرات را تحریک کند، اما در دوره بعد اثر منفی بر صادرات می گذارد؛ زیرا افزایش نرخ ارز هزینه واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای لازم برای تولید صادراتی را بالا می برد و از طرفی بی ثباتی شدید نرخ ارز فضای پیش بینی پذیری لازم برای فعالیت های صادراتی را مختل می کند. این رفتار دوگانه نرخ ارز در اقتصاد ایران، دقیقاً مطابق ساختار تولید وابسته به واردات واسطه ای است؛ یعنی جهش ارزی ابتدا صادرات را رقابتی تر می کند، اما با تأخیر کوتاه، هزینه های تولید را بالا برده و صادرات را کاهش می دهد. تولید ناخالص داخلی چین در کوتاه مدت اثر معناداری بر صادرات ایران ندارد. ضریب این متغیر ۰/۱۶۴ و غیرمعنادار است. این بدان معناست که تغییرات آبی اقتصاد چین، که یکی از بزرگ ترین شرکای تجاری ایران در سطح جهانی است، در کوتاه مدت اثر مشخصی بر صادرات ایران نمی گذارد. دلیل این امر را باید در ساختار ماهیت صادرات ایران به چین جست و جو کرد؛ بخش عمده صادرات ایران به چین در سال های اخیر شامل نفت خام یا محصولات پتروشیمی نیمه خام بوده که بیش از آنکه به رشد اقتصادی چین وابسته باشد، به سیاست های انرژی، تحریم ها و شرایط سیاسی بین دو کشور وابسته است. در نتیجه، تغییرات کوتاه مدت تولید چین نمی تواند اثر مشخصی بر حجم صادرات ایران داشته باشد. در بخش متغیرهای مجازی، هرچند تحریم های دوره ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸ اثر معناداری بر صادرات نداشته، اما تحریم های دوره ۱۳۹۱ - ۱۳۹۴ با ضریب منفی ۰/۰۹۰۰، تحریم های دوره ۱۳۹۷ - ۱۴۰۰ با ضریب منفی ۰/۱۳۵۱، رابطه منفی و معناداری با صادرات داشته است. همان طور که مشخص است تحریم های دوره ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ اثر شدیدتری بر صادرات داشته اند. این نتیجه منطقی به نظر می رسد، زیرا تحریم های دوره ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ هم از نظر دامنه و هم از نظر شدت بسیار گسترده تر بوده اند و دسترسی به بازارهای بین المللی، شبکه بانکی و بیمه ای، حمل و نقل دریایی و حتی بازار فروش نفت را به شدت محدود کرده اند. متغیر مربوط به کرونا نیز با ضریب ۰/۳۱۷۱ اثر منفی و معناداری بر صادرات ایران داشته است. پاندمی کرونا باعث کاهش تقاضای جهانی، اختلال در زنجیره تأمین، بسته شدن مرزها و توقف جریان تجارت بین الملل شد، و این اثرات در مدل کاملاً نمایان است.

ضریب ECM یا تصحیح خطا برابر منفی ۰/۴۵۷۱ و معنادار است. این ضریب منفی نشان دهنده وجود رابطه بلندمدت پایدار میان صادرات و متغیرهای توضیحی مدل است و مقدار آن بیان می کند که حدود ۴۶ درصد از عدم تعادل کوتاه مدت در هر دوره به مسیر بلندمدت بازمی گردد.

بر اساس نتایج جدول (۴)؛ در بلندمدت، تولید ناخالص داخلی ایران قوی‌ترین اثر را بر صادرات دارد. ضریب بلندمدت $LNGDP$ برابر ۰.۹۳۰۷ و در سطح ۱ درصد معنادار است. این ضریب نشان می‌دهد که افزایش یک درصدی تولید داخلی در بلندمدت موجب افزایش ۰.۹۳ درصدی صادرات می‌شود و اهمیت ظرفیت تولید داخلی را در رشد صادرات ایران برجسته می‌کند. به عبارت دیگر، تحلیل بلندمدت نشان می‌دهد که صادرات ایران شدیداً تولیدمحور است و بدون رشد تولید، امکان افزایش پایدار صادرات وجود ندارد. نرخ ارز در بلندمدت اثر منفی و معناداری بر صادرات دارد (ضریب منفی ۰.۰۹۵). این نتیجه ظاهراً با انتظار تئوریک مبنی بر افزایش صادرات در اثر افزایش نرخ ارز در تضاد است، اما در اقتصاد ایران کاملاً قابل توضیح می‌باشد. ساختار تولید صادراتی در ایران به شدت وابسته به واردات نهاده‌های واسطه‌ای و سرمایه‌ای است. افزایش نرخ ارز در بلندمدت هزینه تولید را بالا می‌برد، حاشیه سود صادراتی را کاهش می‌دهد و همچنین به دلیل بی‌ثباتی‌های پی‌درپی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های صادراتی را کاهش می‌دهد. بنابراین اثر مثبت کوتاه‌مدت نرخ ارز بر صادرات در بلندمدت خنثی شده و حتی به اثر منفی تبدیل می‌شود. با توجه به این که بسیاری از مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز برای تولید کالاها در کشور وارداتی هستند، از این رو، افزایش نرخ ارز باعث افزایش هزینه‌های واردات این مواد می‌شود و در نتیجه، هزینه تولید کالاها نیز افزایش می‌یابد. با افزایش هزینه تولید، قیمت نهایی کالاهای صادراتی نیز بالا می‌رود که این موضوع می‌تواند موجب کاهش رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی در بازارهای بین‌المللی شود و خریداران خارجی ممکن است به سمت محصولات کشورهای دیگر با قیمت‌های پایین‌تر روی آورند. همچنین، افزایش نرخ ارز ممکن است به کاهش قدرت خرید خریداران خارجی نیز منجر شود؛ بنابراین، وقتی قیمت کالاهای ایرانی به دلیل افزایش نرخ ارز بالا می‌رود، تقاضا برای این کالاها کاهش می‌یابد. از طرف دیگر، عدم پیش‌بینی‌پذیری ناشی از تغییرات ارزی می‌تواند موجب کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری‌های جدید در کشور شود. در نهایت، افزایش نرخ ارز ممکن است به تغییر در روابط تجاری با شرکای خارجی منجر شود، زیرا ممکن است برخی از شرکا به دلیل قیمت‌های بالاتر از خرید کالاهای ایرانی منصرف شوند. به طور کلی، با توجه به موارد مذکور تغییرات شدید نرخ ارز که در سال‌های گذشته در ایران به شدت زیاد بوده، می‌تواند یک عامل مؤثر در جهت کاهش رشد اقتصاد کشور باشد (دژپسند و سالاری شهری، ۱۴۰۳). در بلندمدت، تولید ناخالص داخلی چین ضریب ۰.۱۷۲۸ دارد اما از نظر آماری معنادار نیست. این نتیجه نشان می‌دهد که در افق بلندمدت نیز رشد اقتصادی چین اثر قطعی و مستقیمی بر صادرات ایران ندارد. همان‌طور که اشاره شد، ترکیب صادرات ایران به چین به حدی نفت‌محور و تحریم‌محور است که حتی رشد اقتصاد چین نیز نمی‌تواند تأثیر مستقیمی بر صادرات ایران داشته باشد.

آزمون نرمالیتی جاکو-برا:



شکل ۱. نتایج آزمون نرمالیتی جاکو-برا

شکل (۱) نشان دهنده گزارش مربوط به آماره جاکو-برا است. با توجه به این که Prob آماره جاکو-برا بالاتر از ۰٫۰۵ می باشد، بنابراین توزیع خطاها نرمال است.

آزمون خودهمبستگی بروش گادفری:

جدول ۵. نتیجه آزمون خودهمبستگی بروش گادفری

Breusch - Godfrey Serial Correlation LM Test			
F - statistic	۱٫۵۶۳	Prob. F	۰٫۱۹۵۸
Obs*R-squared	۶٫۸۸۹	Prob. Chi-Square	۰٫۱۴۱۸

برای تست خودهمبستگی از آزمون بروش گادفری استفاده شده است. براساس جدول (۵)، با توجه به این که Prob F بیشتر از ۰٫۰۵ بوده، بنابراین خودهمبستگی در مدل دیده نمی شود.

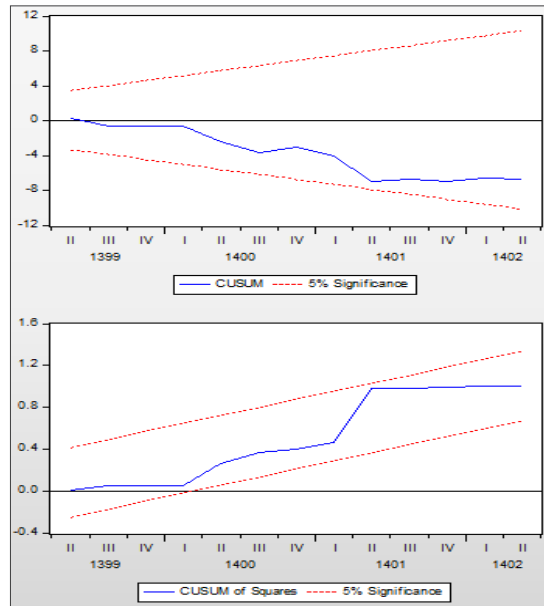
آزمون واریانس ناهمسانی ARCH:

جدول ۶. نتایج آزمون ARCH

Heteroskedasticity Test: ARCH			
F - statistic	۱٫۶۶۴	Prob. F	۰٫۱۵۶۵
Obs*R-squared	۸٫۰۴۷	Prob. Chi-Square	۰٫۱۵۳۶

در این قسمت از آزمون واریانس ناهمسانی ARCH استفاده شده است. بر اساس جدول (۶) با توجه به این که Prob F بالاتر از ۰.۰۵ است، واریانس ناهمسانی دیده نمی‌شود و واریانس‌ها همسان هستند.

آزمون CUSUM و CUSUMQ:



شکل ۲. نتیجه آزمون CUSUM و CUSUMQ

با توجه به شکل (۲) مشاهده می‌شود که خط آبی بین حدود کنترلی قرار گرفته، و هیچگونه شکست ساختاری در مدل دیده نمی‌شود.

آزمون باند:

جدول ۷. نتیجه آزمون کرانه‌ها (باند)

آماره F	مقدار	معناداری	I(0)	I(1)
F-statistic	۶,۹۷۲	٪۱۰	۲,۰۱	۳,۱
		٪۵	۲,۴۵	۳,۶۳
		٪۲,۵	۲,۸۷	۴,۱۶
		٪۱	۳,۴۲	۴,۸۴

برای بررسی هم‌انباشتگی و وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل، از آزمون کرانه‌ها یا همجمعی باند استفاده شده است. همانطور که در جدول (۷) نشان داده شده است؛ F محاسباتی از تمام کرانه‌های سطح صفر و یک بیشتر است، بنابراین وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل تأیید می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

سند چشم‌انداز به عنوان یک سند بالادستی و نقشه راه سیاست‌گذاری‌های کشور برای یک دوره بیست‌ساله یعنی ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴ ابلاغ شد. ارزیابی میزان موفقیت این سند مستلزم بررسی عملکرد شاخص‌های کلیدی اقتصادی است که در میان آن‌ها، تجارت خارجی و به‌ویژه صادرات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا توسعه صادرات هم به عنوان یکی از موتورهای رشد اقتصادی و هم به عنوان شاخصی از توان رقابت‌پذیری اقتصاد ملی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شناخته می‌شود. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر صادرات در دوره اجرای سند چشم‌انداز انجام شد. در این راستا، ابتدا روند متغیر صادرات در طول دوره مورد بررسی قرار گرفت و عملکرد ایران با سایر کشورهای منطقه مقایسه شد. سپس با بهره‌گیری از الگوی توزیع وقفه‌ای خودرگرسیون (ARDL)، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر صادرات شناسایی و میزان تأثیر آن‌ها در کوتاه‌مدت و بلندمدت مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج حاصل از بررسی روند تاریخی صادرات نشان می‌دهد که اگرچه ایران در بخش عمده دوره مورد مطالعه نتوانسته جایگاه برتر منطقه را از منظر رشد صادرات حفظ کند و در بسیاری از سال‌ها رتبه‌ای دو رقمی داشته است، اما در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) با ثبت نرخ رشد ۲۷٫۴۲ درصدی صادرات، موفق به کسب رتبه نخست منطقه شد. این موضوع نشان می‌دهد که بهبود شرایط روابط خارجی و کاهش محدودیت‌های بین‌المللی می‌تواند در مدت‌زمان نسبتاً کوتاهی آثار محسوسی بر عملکرد تجارت خارجی کشور برجای بگذارد. در واقع، تجربه سال‌های پس از توافق برجام بیانگر آن است که بخشی از ظرفیت‌های صادراتی اقتصاد ایران در شرایط عادی و با دسترسی مناسب‌تر به بازارها و شبکه‌های مالی بین‌المللی قابلیت بالفعل شدن دارند. از این منظر، عملکرد سال ۱۳۹۵ را می‌توان نمونه‌ای از تأثیر مثبت کاهش محدودیت‌های خارجی بر بهبود شاخص‌های اقتصادی و تجاری کشور دانست.

نتایج برآورد معادله صادرات نیز نشان می‌دهد که عملکرد صادرات ایران در دوره سند چشم‌انداز به‌طور مستقیم تحت تأثیر وضعیت تولید داخلی، نوسانات نرخ ارز و شوک‌های خارجی از جمله تحریم‌ها و همه‌گیری ویروس کرونا قرار داشته است. یکی از یافته‌های مدل، نقش تعیین‌کننده تولید ناخالص داخلی در تقویت صادرات است؛ به گونه‌ای که این متغیر در کوتاه‌مدت با ضریب ۰٫۴۲۳ و در بلندمدت با ضریب ۰٫۹۳۰۷ اثر مثبت بر صادرات داشته است. این نتیجه بیانگر آن است که توسعه صادرات نیازمند تقویت

ظرفیت‌های تولیدی اقتصاد است؛ زیرا افزایش تولید داخلی، امکان عرضه مازاد به بازارهای خارجی را فراهم کرده و زمینه گسترش حضور در بازارهای بین‌المللی را مهیا می‌سازد. با این حال، با توجه به عملکرد نامناسب رشد اقتصادی کشور در این دوره، یکی از مهم‌ترین موانع دستیابی به اهداف صادراتی سند چشم‌انداز را می‌توان ضعف پایدار در رشد تولید دانست.

نتایج بدست آمده در خصوص علامت ضریب نرخ ارز نیز قابل توجه است. مثبت بودن ضریب نرخ ارز در دوره جاری (۰/۲۳۰۳) نشان می‌دهد که افزایش نرخ ارز در ابتدا می‌تواند از طریق کاهش نسبی قیمت کالاهای داخلی برای خریداران خارجی، به بهبود رقابت‌پذیری صادراتی و افزایش صادرات منجر شود. با این حال، منفی بودن ضریب وقفه اول نرخ ارز (منفی ۰/۲۵۶۵) و منفی بودن اثر بلندمدت آن (منفی ۰/۰۹۵) نشان می‌دهد که این اثر مثبت پایدار نیست و پس از گذشت زمان، پیامدهای منفی ناشی از افزایش نرخ ارز آشکار می‌شود. افزایش هزینه واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، تشدید نااطمینانی در محیط کسب و کار، افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و تولید و دشوارتر شدن برنامه‌ریزی بنگاه‌ها از جمله عواملی هستند که می‌توانند اثر اولیه نرخ ارز را خنثی کرده و به کاهش صادرات منجر شوند.

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش، نقش شوک‌های خارجی و تحریم‌های اقتصادی در محدود کردن ظرفیت صادراتی کشور است. نتایج نشان داد که اگرچه تحریم‌های دوره ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۸ اثر معناداری بر صادرات نداشته‌اند، اما تحریم‌های دوره‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ با ضریب منفی ۰/۰۹ و به ویژه ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ با ضریب منفی ۰/۱۳۵۱ اثرات منفی و معناداری بر صادرات برجای گذاشته‌اند. شدت بیشتر اثر منفی در موج سوم تحریم‌ها نشان می‌دهد که هرچه دامنه و عمق محدودیت‌های بین‌المللی افزایش یافته، هزینه‌های تجارت خارجی نیز بیشتر شده است. محدودیت دسترسی به نظام مالی بین‌المللی، دشواری نقل و انتقال ارز، افزایش هزینه مبادلات، محدود شدن دسترسی به بازارهای هدف و افزایش ریسک فعالیت‌های تجاری از جمله سازوکارهایی هستند که از طریق آن‌ها تحریم‌ها بر صادرات اثر منفی گذاشته‌اند. از این رو، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بخشی از فاصله میان عملکرد واقعی صادرات و اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز را می‌توان به وجود فشارهای خارجی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها نسبت داد.

همچنین نتایج نشان داد که شیوع ویروس کرونا با ضریب منفی ۰/۳۱۷۱ اثر منفی و معناداری بر صادرات داشته است. این یافته بیانگر آن است که اقتصاد ایران علاوه بر چالش‌های ساختاری و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، در معرض شوک‌های غیرمنتظره جهانی نیز قرار داشته است. اختلال در زنجیره‌های تأمین، کاهش تقاضای جهانی، محدودیت‌های حمل و نقل و افزایش هزینه‌های مبادلات بین‌المللی از جمله عواملی بودند که در دوران همه‌گیری کرونا بر عملکرد صادراتی کشور تأثیر منفی گذاشتند.



در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد صادرات ایران در دوره اجرای سند چشم‌انداز تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار داشته است. از یک سو، ضعف رشد تولید داخلی، ناپایداری محیط اقتصادی و آثار بلندمدت منفی نوسانات ارزی، ظرفیت صادراتی کشور را محدود کرده و از سوی دیگر، تحریم‌های اقتصادی و شوک‌های بین‌المللی نظیر همه‌گیری کرونا، موانع مضاعفی را در مسیر توسعه صادرات ایجاد کرده‌اند. بنابراین، عدم تحقق کامل اهداف صادراتی سند چشم‌انداز را نمی‌توان صرفاً به یک عامل خاص نسبت داد، بلکه این مسئله حاصل برهم‌کنش مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، سیاستی و بین‌المللی بوده است.

پیشنهادهای برای مطالعات آتی:

با توجه به یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی با بهره‌گیری از آزمون‌های علیت، رابطه میان «تولید ملی» و «صادرات» در اقتصاد ایران واکاوی شود. با توجه به پیچیدگی‌های ساختاری اقتصاد ایران، تبیین جهت این رابطه (این که آیا تولید پیش‌ران صادرات است یا صادرات محرک تولید)، برای سیاست‌گذاری و اولویت‌های تخصیص منابع، ضرورتی انکارناپذیر دارد.

دسترسی به داده

- داده‌های استفاده شده یا تولید شده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است

تعارض منافع نویسندگان

- نویسندگان این مقاله اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

- باقرپور اسکویی، الناز (۱۴۰۳). تحلیلی بر تأثیر نرخ ارز بر صادرات کشور. نشریه علمی امنیت اقتصادی، ۱۲(۴)، ۸۱-۹۰.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۵). گزارش خلاصه تحولات اقتصادی سال ۱۳۸۵.
- پهلوانی، مصیب؛ دهمرده، نظر و حسینی، سیدمهدی (۱۳۸۶). تخمین توابع تقاضای صادرات و واردات در اقتصاد ایران با استفاده از روش همگرایی ARDL. نشریه اقتصاد مقداری، ۴(۳)، ۱۰۱-۱۲۰.
- حسنوند، علی اکبر؛ حسنوند، داریوش و نادمی، یونس (۱۳۹۷). تأثیر تحریم‌ها بر صادرات غیرنفتی ایران. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴(۴)، ۶۶۶. doi: 10.32598/JMSP.6.4.666
- خلیلیان، صادق و فرهادی، علی (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر صادرات بخش کشاورزی ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۰(۳۹)، ۷۱-۸۴. doi: 10.30490/aead.2002.132309
- دهقان خاوری، سعید؛ ایزدپناه، عارفه؛ امامی، مهرداد؛ کارگریان، زهرا؛ باقری، علیرضا؛ شاهی فرد، مصطفی (۱۴۰۲). بررسی اثر نوسانات نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی ایران طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۸۰. نخستین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد دریا پایه.
- دژپسند، فرهاد و سالاری شهری، محمد (۱۴۰۳). عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در برنامه‌های توسعه دوره سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران. فصلنامه مجلس و اقتصاد، دوره ۲، ۴۲۴-۴۵۷. doi: 10.22034/mec.2025.17646.1097
- راعی، سیده سمانه و دهمرده قلعه نو، نظر. (۱۴۰۰). تأثیر اقتصاد دانش بنیان بر صادرات غیرنفتی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، ۱۸(۲)، ۴۳-۵۵. doi: 10.22055/jqe.2020.26777.1922
- سازمان برنامه و بودجه کل کشور (۱۴۰۴). گزارش ارزشیابی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران.
- سایت بانک جهانی. <https://data.worldbank.org/>
- سپهردوست، حمید؛ تارتار، محسن و داوری، راضیه (۱۳۹۹). تأثیر بهره‌وری علمی بر رشد صادرات. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۱(۴۱)، ۹۷-۱۱۶.
- سری زمانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. <https://tsdview.cis.cbi.ir/>
- شاکری، عباس (۱۳۸۴). عوامل تعیین‌کننده صادرات غیرنفتی ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۶(۲۱).
- عادلی، عبدالحمید؛ غفاری، هادی؛ و شایگانی، بیتا (۱۴۰۱). اثر تحریم‌های اقتصادی بر صادرات ایران با استفاده از روش کنترل ساختگی. فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۱۱(۴۱)، ۹۷-۱۲۷. doi: 10.22084/aes.2021.23030.3199
- معصوم، محمد و یوسفی، شبنم (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر عملکرد صادرات. دوماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ۱۹(۱۰۷).
- نجفی چالستری، جهانگیر؛ دائی‌کریم‌زاده، سعید؛ و شریفی زنانی، حسین (۱۴۰۴). تجزیه و تحلیل آثار تحریم‌ها بر صادرات غیرنفتی ایران با استفاده از روش کنترل مصنوعی. نظریه‌های کاربردی اقتصادی، ۱۲(۲)، ۱۲۷-۱۴۴. doi: 10.22034/ecoj.2025.65239.3389
- نوفرستی، محمد (۱۴۰۰). اقتصادسنجی کاربردی داده‌های سری زمانی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- یزدانی، مهدی؛ صمصامی، حسین؛ و طهماسبی، زهرا (۱۴۰۳). ارزیابی وجود شرط مارشال - لرنر تعمیم‌یافته در صنایع کارخانه‌ای منتخب ایران. اقتصاد و تجارت نوین، ۱۹(۶۴)، ص ۱۷۵-۲۱۴. doi: 10.30465/jnet.2025.49149.2148
- Abdulla, Hazhar Khalid Ali (2019). An Analysis of Exports and Imports and Their Effect on the Economic Growth in Iraq. Journal of Social Sciences, 3(2):68-76. doi: 10.25079/ukhjss.v3n2y2019.
- Aydaş, M., & Canbaloglu, B. (2024). The Impact of Real Effective Exchange Rate on Turkish Export Performance: An ARDL Application. AYBU Business Journal, 4(2), 1-11. <https://doi.org/10.61725/abj.1562664>.
- Albinia, Sava, Sofyan, Mohammad (2023). The Effect of Exchange Value and Inflation on Non-Oil and Gas Export Value Period 2015 -2021. Journal of Management and Business 1(1):1-16. doi: 10.61194/jmb.v1i1.1.
- Abdull J. Saaed and Majeed Ali Hussain (2015). Impact of Exports and Imports on Economic Growth: Evidence from Tunisia. Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences (JETEMS) 6(1):13-21.
- Dwi Joko Siswanto, Erlyn Shukma Dewi, Ickhsanto Wahyudi, Tantri Yanuar Rahmat Syah (2022). Analysis of Factors Affecting the Export of Batik in Indonesia. Journal of social science. 3 (6).

- Euis Sumiyati (2020). Factors Affecting Manufacturing Exports. *Journal of Economics Business and Accountancy Ventura*. 23(2):254-266. 10.14414/jebav.v23i2.2303.
- Ema Nopiana, Zannur Habibah (2022). THE EFFECT OF EXCHANGE RATES, EXPORTS AND IMPORTS ON ECONOMIC GROWTH IN INDONESIA. *JOURNAL OF MANAGEMENT ACCOUNTING GENERAL FINANCE AND INTERNATIONAL ECONOMIC ISSUES*. 1(3):111-122.
- Gururaj B., Satishkumar M., M.K. Aravinda Kumar (2016). Analysis of factors affecting the performance of exports in India. *International Journal of Agriculture Environment and Biotechnology*. 9(4):613. 10.5958/2230-732X.2016.00079.6.
- Hidayat, Agus Maolana, Purwanda, Eka, Hady Siti Hadijah, Gugun Sodik (2024). Impact of exchange rates, Inflation, foreign direct investment, government spending, and economic openness on exports, imports, and economic growth in Indonesia. *Journal of Infrastructure, Policy and Development*, 8(6). doi.org/10.24294/jipd.v8i6.3270.
- Hafiz Asim, Adnan Ali Shahzad, Bilal Nafees, Muhammad Faraz Mubarak (2022). Examining the Factors Affecting Exports Performance: Empirical Evidence from Finland. *JISR management and social sciences & economics*. 20 (2). doi.org/10.31384/jisrmsse/2022.20.2.5.
- Krueger, A. O. (1998). Why trade liberalisation is good for growth. *The Economic Journal*, 108(450), 1513-1522.
- Mohamed Abdelmonem Elshehawy , Hongfang Shen, Rania Ahmed (2014). The Factors Affecting Egypt's Exports: Evidence from the Gravity Model Analysis. *Open Journal of Social Sciences*. 2(11):138-148. 10.4236/jss.2014.211020.
- Naptania Ilmas, Mia Amelia, Rafli Risandi (2022). ANALYSIS OF THE EFFECT OF INFLATION AND EXCHANGE RATE ON EXPORTS IN 5-YEAR ASEAN COUNTRIES (YEARS 2010-2020). *Jurnal Ekonomi Trisakti*. 2(1):121-132. 10.25105/jet.v2i1.13561.
- Şahin Karabulut (2020). The Impact of Imports on Exports of Turkey. *Yonetim ve Ekonomi Araştırmaları Dergisi*. 18(1):76-90. 10.11611/yead.607439.
- Thomas Habanabakize (2020). The effect of economic growth and exchange rate on imports and exports: The south african post-2008 financial crisis case. *North West University*. 12 (1). 10.34109/ijefs.202012114.